

حکمت نبوتی هوشع

درس
دوم

مکاشفات برای شخص حکیم



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from The Holy Bible, English Standard Version® (ESV®), copyright © 2001 by Crossway, a publishing ministry of Good News Publishers. Used by permission. All rights reserved.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel®. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: حکمت نبوتی هوشع (درس شماره ۲: مکاشفات برای شخص حکیم)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) داوری و امید

مفهوم اصلی

برکت پس از داوری

برکت از راه یهودا

کاربرد امروزی

عروس مسیح

ایام آخر در مسیح

(۳) پرده‌برداری از داوری

معنی اصلی

سرکشی اسرائیل

سرکشی یهودا

کاربرد امروزی

عروس مسیح

ایام آخر در مسیح

(۴) پرده‌برداری از امید

معنی اصلی

واکنش خدا

واکنش قوم خدا

کاربرد امروزی

عروس مسیح

ایام آخر در مسیح

(۵) نتیجه‌گیری

مکاشفات برای شخص حکیم

مقدمه

تجربیات سخت زندگی غالباً به ما حکمت زیادی می‌آموزند. و بصیرتی که دربارهٔ خدا، خودمان، و جهان می‌آموزیم، می‌تواند برای اطرافیان مان که با آزمایشات خود روبرو می‌شوند بسیار با ارزش باشد. این مسئله در مورد هوشع نبی نیز صدق می‌کرد. او طی چندین دهه، در شرایط چالش برانگیز، از خدا مکاشفاتی دریافت کرد. و در سال‌های آخر زندگی‌اش، روح‌القدس او را الهام بخشید تا این مکاشفات را گرد آورد تا برای اسرائیل باستانی و یهودا در روبرویی با برخی آزمایشات جدی، منبع حکمت باشد.

این دومین درس از مجموعه دروس «حکمت نبوتی هوشع» است که ما آن را «مکاشفات برای شخص حکیم» نامیدیم. در این درس خواهیم دید که هوشع چگونه از ابتدا تا انتها، کتاب خود را طرح‌ریزی نمود تا حکمت را برای قوم باستانی خدا بیان کند.

در درس قبلی، آموختیم که کتاب هوشع با عنوانی در ۱: ۱ آغاز می‌شود که جدول زمانی کامل خدمت هوشع را نشان می‌دهد. این کتاب با خاتمه‌ای در ۱۴: ۹ پایان می‌پذیرد که در آن، از خوانندگان هوشع دعوت می‌شود تا از نبوت‌های او حکمت حاصل کنند. بین این آیات، محتوای کتاب هوشع شامل سه بخش اصلی است. بخش اول در ۱: ۲-۳: ۵ بر داوری و امید از سوی خدا تمرکز دارد. بخش دوم در ۴: ۱-۹: ۹ نگاهی نزدیک‌تر به مجازات و داوری خدا علیه قوم خود دارد. و بخش سوم در ۹: ۱۰-۱۴: ۸ به پرده‌برداری از امیدی که خدا از طریق نبوت‌های هوشع آشکار کرد، باز می‌گردد. همچنین، مقصود کتاب هوشع را اینطور خلاصه کردیم:

کتاب هوشع رهبران یهودا را می‌خواند تا در شرایط سختی که به خاطر حملهٔ سنحاریب با آن روبرو بودند، از آنچه خدا در طول خدمت هوشع مکشوف کرده بود، حکمت حاصل کنند.

همانطور که این خلاصه نشان می‌دهد، رهبران یهودا شدیداً به حکمت نیاز داشتند. خدا تهدید به داوری‌ای ویرانگر علیه یهودا در حین یا اندکی پس از حملهٔ سنحاریب در زمان حزقیای پادشاه کرده بود. و کتاب هوشع رهبران یهودا را می‌خواند تا از آنچه خدا در طول خدمت هوشع مکشوف کرده بود بصیرت کسب کنند تا بتوانند راهنمای قوم خدا در این روزهای سخت باشند.

برای کشف اینکه چطور هوشع این هدف را محقق کرد، به مکاشفاتی که او در هر بخش اصلی از کتاب خود برای شخص حکیم قرار داده است اشاره خواهیم کرد. با نبوت‌های او درباره داوری و امید در اولین بخش آغاز می‌کنیم. سپس به اعلانات او درباره پرده‌برداری از داوری در بخش دوم توجه خواهیم کرد. و در نهایت، کاوشی در مکاشفات او درباره پربرده‌داری از امید در بخش سوم خواهیم داشت. بیایید ابتدا به بصیرت‌هایی که در نبوت‌های هوشع درباره داوری و امید آشکار شده است نگاهی بیندازیم.

داوری و امید

به یاد دارید که بخش اول هوشع در ۱: ۲-۳: ۵ در برگزیده نبوت‌هایی است که هوشع در حکومت شمالی در دوران یربعام دوم دریافت کرده است. همانطور که در درس گذشته آموختیم، اینها نبوت‌هایی بودند که از روی کار آمدن آشور به عنوان ابر قدرت در سال ۷۴۴ ق. م. خبر می‌داد. در این درس خواهیم دید که عرضه این نبوت‌های اولیه توسط هوشع، توازن دقیقی بین هر تهدید داوری خدا و اطمینان پر امیدی به اینکه خدا همچنان قوم خویش را در آینده برکت خواهد داد، ایجاد می‌کند.

زمانی که هوشع کتاب خود نوشت، پادشاهی اسرائیل تحت داوری سخت خدا قرار گرفته بود و تهدید به داوری علیه یهودا نیز وجود داشت. این حقایق سخت رهبران یهودا را سرگشته و ناامید کرده بود. خدا چه کار می‌کرد؟ آنها باید به چه درباره آینده باور می‌داشتند؟ هوشع در سه فصل اول کتاب خود به رهبران یهودا که با این سوالات روبرو بودند، حکمت می‌بخشد.

در حین بررسی فصل‌های کتاب هوشع درباره داوری و امید از سوی خدا، ابتدا با مفهوم اصلی این دو واژه و اهمیت آنها برای مخاطبین اصلی آغاز خواهیم کرد. سپس به بررسی کاربرد امروزی این فصول خواهیم پرداخت. بیایید با مفهوم اصلی کتاب هوشع برای مخاطبین اولیه آن شروع کنیم.

مفهوم اصلی

اگر هوشع نبوت‌هایی که در بخش اول این کتاب ارائه می‌کند را خلاصه می‌کرد، احتمالاً اینچنین می‌نوشت:

پس از تحمل یک دوره مجازات، اسرائیل در روزهای آخر از طریق اتحاد مجدد با یهودا و تسلیم به خاندان داوود، برکات خدا را دریافت خواهد کرد.

از یک طرف، نبوت‌های هوشع تعلیم داد که پس از تحمل یک دوره مجازات، برکات خدا بر اسباط شمالی اسرائیل قرار می‌گرفت. اما از سوی دیگر، این نبوت‌ها تعلیم می‌داد که خدا این برکات را در روزهای آخر و از طریق اتحاد مجدد با یهودا و تسلیم آنها به خاندان داوود جاری خواهد ساخت.

ما در دو مرحله به مفهوم اصلی این قسمت نگاه می‌کنیم. نخست، هوشع نقشه خدا را نشان می‌دهد که اسرائیل برکات او را پس از تحمل دوره‌ای از مجازات دریافت می‌کنند. دوم، هوشع به طور واضح نشان می‌دهد که آن برکات از طریق یهودا خواهند آمد. بیایید کندوکاو مان در هر دوی این مراحل را از تعلیم هوشع که برکت خدا پس از یک دوره داوری بر اسرائیل خواهد آمد، آغاز کنیم.

برکات پس از داوری

هوشع این بخش را با گزارشی شخصی از تجربه پیشین خانوادگی اش در ۱: ۲-۲: ۱ آغاز می‌کند.

تجربه پیشین خانوادگی: این بخش با یک داستان خانوادگی در ۱: ۲-۹ آغاز می‌شود. در آیات ۲ و ۳، خدا به هوشع فرمان می‌دهد که با جومر، «زنی زانیه»، ازدواج کند. این تعریف نشان می‌دهد که او جومر یکی از فاحشه‌های بسیاری بود که در مراکز فاحشه‌گری پرستش بعل در اسرائیل خدمت می‌کردند. روش زندگی این زن، سایه تاریکی بر ازدواج هوشع انداخته بود. اما فراتر از این، ازدواج آنها نمادی بود از اینکه خداوند خود از طریق عهد به قومی سست‌پیمان - قوم اسرائیل - پیوسته بود.

سپس در آیات ۴-۹ خدا به هوشع دستور می‌دهد که نام‌های مخصوصی بر فرزندان خود بگذارد. که وضعیت اسرائیل در حضور خدا را آشکار می‌کرد. نام پسر اول هوشع، یزرعیل بود. دوم پادشاهان باب ۱۰ توضیح می‌دهد که یکی از نیاکان یربعام دوم، بیهوی پادشاه، سلسله سلطنتی خود را با خشونت و وحشتناک در یزرعیل تاسیس کرد. نامیدن پسر اول هوشع به نام یزرعیل، نشان می‌داد که به زودی داوری شدیدی در انتظار اسرائیل بود. فرزند دوم هوشع که دختر بود، لوروحامه نامیده شد که به معنی «غیرمحبوب» یا «عدم رحمت» است. این نام نشانگر آن بود که خدا می‌رفت تا محبت و رحمت خود را نسبت به پادشاهی اسرائیل متوقف کند. در نهایت، خدا به هوشع دستور داد تا سومین فرزند خود را لوعمی نامگذاری کند که به معنی «نه قوم من» است. نام این پسر نشان داد که خدا برای مدتی با اسرائیل آنگونه رفتار می‌کرد که گویی او یکی از ملل بت‌پرست تحت خشم خداست.

تجربیات پیشین خانوادگی هوشع داوری مخوفی را که در انتظار اسرائیل بود، نشان داد. اما هوشع بلافاصله تعادلی میان این کلام داوری و برخی اندیشه‌های نبوتی که الهام الاهی بودند در ۱: ۱۰-۲: ۱ ایجاد می‌کند. در اینجا او اعلام کرد که علیرغم انهدامی که در انتظار اسرائیل بود، خدا هنوز به وعده‌هایی که به ابراهیم در پیدایش باب‌های ۱۳ و ۲۲ داده بود، وفادار است. به هوشع ۱: ۱۰ گوش کنید که او اعلام کرد:

لیکن شماره بنی اسرائیل مثل ریگ دریا خواهد بود که نتوان پیمود و نتوان شمرد و در مکانی که به ایشان گفته می‌شد شما قوم من نیستید، در آنجا گفته خواهد شد پسران خدای حی می‌باشید (هوشع ۱: ۱۰).

در کتب انبیا می‌بینیم که خدا گاهی در آن برای تاکید بر این مطلب که او نسبت به قول خود وفادار است، از نمادها و اعمال نمادین استفاده می‌کند. بنابراین هنگامی که او از هوشع خواست تا با یک فاحشه ازدواج کند، در نظر داشت تا خیانت و بی‌وفایی قوم خود را به وضوح به تصویر بکشد؛ اینکه چطور قوم او مثل یک زن زناکار رفتار کرده بودند – حتی بدتر از آن، مثل یک فاحشه – و پی خدایان دیگر، خدایان اقوام دیگر رفته بودند. اما به وسیله هوشع نبی، او نشان داد که علیرغم فحشا و خیانت قومش، او به عهد خود وفادار ماند.

– دکتر دیوید کوریا

پس از این روایت متعادل از تجربه پیشین خانوادگی، هوشع به شکایت‌نامه اول خدا در ۲: ۲-۲۳ پرداخت. **شکایت‌نامه خدا:** همانطور که معمولاً از شکایت‌نامه‌های نبوتی انتظار داریم، در ۲: ۲-۱۳، خدا در دادگاه آسمانی اعلام می‌کند که اسرائیل شمالی متحمل بلایای خود خواهد شد. اسرائیلیان نیز مانند جومر و فحشای پرستش‌اش، نسبت به خدا بی‌وفایی کرده بودند و خدا در صدد بود که به وسیله روی کار آوردن آشوریان، آنان را لعنت کند. اما بر خلاف اکثر شکایت‌نامه‌های الهی، این شکایت‌نامه با لعن الهی پایان نمی‌پذیرد. در مقابل، خدا در آیات ۱۴-۲۳ از برکاتی صحبت می‌کند که پس از داوری اسرائیل در انتظار آنها بود. به سخنان امیدبخش خدا در ۲: ۱۸ توجه کنید:

در آن روز به جهت ایشان با حیوانات صحرا و مرغان هوا و حشرات زمین عهد خواهیم بست و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهیم شکست و ایشان را به امنیت خواهیم خوابانید (هوشع ۲: ۱۸).

در اینجا می‌بینیم که خدا با وعده عهدی که با اسرائیل می‌بست، قطعیت یک آینده عالی را ابراز می‌کند – عهدی که انبیای بعدی نیز درباره آن پیشگویی کردند. ارمیا ۳۱: ۳۱ از این عهد به عنوان «عهد جدید» صحبت می‌کند. و در اشعیا ۵۴: ۱۰، حزقیال ۳۴: ۲۵ و ۳۷: ۲۶ همگی از آن به عنوان «عهد سلامتی» سخن می‌گویند. در اینجا، تمرکز نبوت هوشع بر این است که چگونه برکات خدا، طبیعت را احیا خواهد کرد – یعنی «وحوش صحرا، پرندگان آسمان و خزندگان زمین». خدا همچنین توقف خشونت آشوریان را وعده داد. او «کمان و شمشیر و جنگ را از زمین محو» خواهد کرد و اسرائیل را «در امنیت» خواهد خوابانید.

پس از ثبت اینکه چگونه داوری و امید در تجربیات خانوادگی پیشین هوشع و اولین شکایت‌نامه خدا آشکار شد، هوشع روایت تجربیات خانوادگی پسین خود را در ۳: ۱-۵ تعریف می‌کند.

تجربیات خانوادگی پسین: باب ۳ هوشع با یک داستان خانوادگی از زبان خود او در آیات ۱-۳ شروع می‌شود. دیدیم که جومر، دوباره به فحشای پرستشی خود بر می‌گردد. اما خدا در آیه ۱ به هوشع فرمان می‌دهد که «بار دیگر برو و زنی [جومر]... را که زناکار است دوست بدار.» هوشع اطاعت می‌کند. اما او در آیه ۳ به جومر می‌گوید که باید روزهای بسیار با او بماند و خود را به مرد دیگری نسپارد. هوشع هنوز با دقت در حال حفظ تعادل بین داوری خدا و برکات امیدوارکننده او در نبوت‌هایش است. در ۳: ۴-۵ می‌خوانیم:

بنی اسرائیل ایام بسیاری بدون پادشاه و بدون رئیس و بدون قربانی و بدون تمثال و بدون ایفود و ترافیم خواهند ماند. و بعد از آن بنی اسرائیل بازگشت نموده... به سوی خداوند و احسان او با ترس خواهند آمد (هوشع ۳: ۴-۵).

جومر و عدم وقت‌گذرانی با مرد دیگر سمبل اسرائیل و تحمل دوران طولانی داوری بدون پادشاه و شاهزاده، بدون قربانی و ستون و بدون ایفود و بت‌های خانگی است. اما هوشع دوباره به پایان داوری و برکات امیدبخش آینده اشاره می‌کند؛ دورانی که در آن اسرائیل دوباره نیکویی خدا را خواهد چشید.

حال پس از بررسی مفهوم اصلی بخش اول شامل تاکید بر برکات خدا پس از دوره طولانی داوری، به مکاشفات خواهیم پرداخت که نشان می‌دهد این برکات، همگی از راه یهودا جاری خواهند شد.

برکت از راه یهودا

اگر به یاد داشته باشید، دیدیم که در مراحل اولیه خدمت هوشع، عزیا پادشاه یهودا نسبت به خداوند وفاداری پیشه کرد. بنابراین خدا فقط بر اسرائیل و حکومت شمالی اعلام داوری کرد. در این زمان خدا نسبت به یهودا یا حکومت شمالی کاملاً در تقابل بود. او در ۱: ۷ می‌گوید: بر خاندان یهودا رحم خواهم کرد و ایشان را نجات خواهم داد. اما همانطور که خواهیم دید، نبوت‌های هوشع در بخش اول در برگیرنده پیغامی مفصل‌تر در رابطه با یهودا است. به قسمت دوم نبوت هوشع در بخش اول توجه کنید. هوشع به رهبران یهودا می‌آموزد:

... اسرائیل در روزهای آخر به وسیله اتحاد مجدد بین اسرائیل و یهودا و تسلیم به خاندان داوود، برکات خدا را دریافت خواهد نمود.

برای درک بهتر اینکه چرا این برکات قرار بود از طریق یهودا بیایند، ابتدا باید به برخی مفاهیم مربوط به عهد عتیق بپردازیم. این مفهوم بعدها شکل‌دهنده نبوت‌های هوشع در این راستا بودند. در وهله اول، از همان ابتدای

دوران پاتریارک‌های عهد عتیق بر اهمیت اتحاد بین دوازده سبط اسرائیل تاکید می‌کند. کتاب پیدایش بر این ایده‌آل اشاره می‌کند. این مورد مخصوصاً در آشتی و پیوند دوباره بین یوسف و برادرانش مشهود است. کتب خروج، لاویان، یوشع، داوران و سموئیل نیز از یکپارچگی اسرائیل حمایت می‌کنند. قطعاً هنگامی که هوشع خدمت خود را آغاز کرد، اسرائیل و یهودا از هم جدا شده و در رابطه‌ای غریب نسبت به هم بودند. اما در سایه دیدگاه ایده‌آل عهد عتیق، هوشع نیز بر این تاکید دارد که برکات آینده خدا برای اسرائیل منوط به اتحاد مجدد دوازده سبط است.

در وهله دوم، یوشع به مفهوم عهد عتیقی تسلیم به خاندان داوود نیز اشاره می‌کند. بسیاری از کتب قدیمی عهد عتیق علی‌الخصوص داوران، سموئیل و پادشاهان به همراه برخی از مزامیر تایید می‌کنند که خاندان داوود یعنی نسل پادشاهان یهودا سلسله جاودانه قوم خدا خواهند بود. این موضوع نیز مثل اتحاد اسباط با داستان یوسف و برادرانش مرتبط است. در پیدایش ۴۹: ۱۰ پدر ایمان یعقوب، در مورد پسرانش نبوت کرد و گفت: «عصا (نشانه اقتدار شاهانه) از یهودا دور نخواهد شد.» اسباط شمالی نسبت به اقتدار سلطنتی داوود مقاومت نشان داده بودند. حالا هوشع تاکید می‌کند دریافت برکات آینده اسرائیل منوط به تسلیم و اطاعت از پادشاهی خاندان داوود است.

در وهله سوم، ما برای درک بهتر کلمات امیدبخش هوشع در رابطه با برکات وعده داده شده به یهودا، این نکته نیز حائز اهمیت است که در نهایت به نقشه نهایی خدا در طول تاریخ نگاه کنیم. همانطور که بسیاری از کتب تاریخی عهد عتیق و مزامیر اشاره می‌کنند، دلیل اتحاد قوم خدا و قرار گرفتن تحت پادشاهی داوود این بود که آنها در نهایت ملکوت خدا را به اقصی نقاط جهان بسط دهند. این موضوع را می‌توان در داستان یوسف و برادرانش به وضوح دید. هنگامی که یعقوب در پیدایش ۴۹: ۱۰ برای پسرش یهودا نبوت می‌کرد، گفت: «عصا از یهودا دور نخواهد شد.» او همچنین ادامه داد: «قوم‌ها فرمانبردار او خواهند بود.» که در واقع اشاره به ملت‌های مختلف دنیا است.

در خاتمه، دوازده سبط اسرائیل، متحد در زیر حکومت یهودا، با هم پادشاهی خدا را در تمام دنیا گسترش خواهند داد. در پرتو این زمینه، به هوشع ۱: ۱۱ و به نکاتی که هوشع به آنها اشاره می‌کند توجه کنید:

بنی یهودا و بنی اسرائیل با هم جمع خواهند شد و یک رئیس به جهت خود نصب نموده، از آن زمین برخوانند آمد زیرا که روز یزرعیل، روز عظیمی خواهد بود (هوشع ۱: ۱۱).

در اینجا هوشع نشان می‌دهد که روز یزرعیل روزی بود که آشور بر حکومت شمالی حمله‌ای خشونت‌بار اعمال کرد. و آن روز بزرگی بود اما پس از تحمل این داوری از سوی خدا، فرزندان یهودا و فرزندان اسرائیل با هم گرد خواهند آمد و یک ملت واحد را تشکیل خواهند داد. آنها برای خود رهبری بر خواهند گزید. هوشع در ۳: ۵ این مفهوم عهد عتیقی را اینچنین بررسی می‌کند.

بعد از آن بنی اسرائیل بازگشت نموده، یهوه خدای خویش و پادشاه خود داوود را خواهند طلبید. و در ایام بازپسین به سوی خداوند و احسان او با ترس خواهند آمد (هوشع ۳: ۵).

«بعد از آن» در این آیه اشاره به زمان پس از داوری می‌کند. فرزندان اسرائیل نه تنها یهوه خدای خود را خواهند جست، بلکه از پادشاهشان داوود پیروی خواهند نمود. توجه کنید که هوشع خاطر نشان می‌سازد که همه این وقایع در «زمان‌های آخر» به وقوع خواهند پیوست. این عبارت از لفظ عبری به آخریت هایامیم (b'achariyt hayyamim) برگرفته شده است. این واژه و کلمات مشابه آن در سایر متون «آینده» ترجمه شده است. اما در اینجا دقیقاً «زمان‌های آخر» یا «روزهای بازپسین» ترجمه شده است که به اوج تاریخی اشاره می‌کند که پس از تبعید قوم خدا به وقوع خواهد پیوست. این عبارت در واقع در برگیرنده زمانی است که مقصود نهایی خدا به تحقق خواهد پیوست.

همچنانکه در سایر مجموعه دروس مان ذکر کرده‌ایم، اکثر انبیای عهد عتیق عبارت «زمان‌های آخر» را از تثنیه ۴: ۲۵-۳۱ اخذ کرده‌اند. در این آیات، موسی به قوم خدا هشدار می‌دهد که چنانچه از عهد خدا آشکارا سرکشی کنند، خدا آنها را به دشمنان شان تسلیم خواهد کرد و آنها را از سرزمین موعود بیرون خواهد راند. اما در آیه ۳۰، موسی به آنها اطمینان می‌بخشد که در ایام آخر آنها توبه خواهند کرد و ایام تبعیدشان به پایان خواهد رسید. راستای پیشگویی موسی، هوشع نیز نبوت می‌کند حکومت شمالی اسرائیل به شدت از داوری خدا رنج خواهند کشید. او در عین حال به تایید این موضوع می‌پردازد که آنها توبه خواهند کرد و در اتحاد با یهودا تحت اطاعت از خاندان داوود قرار خواهند گرفت. همه این وقایع به سوی برکات ایام آخر سوق داده می‌شود. ایام آخر یعنی هنگامی که تاریخ به نهایت عظیم خود می‌رسد و ملکوت خدا در همه دنیا منتشر می‌شود.

بعضی اوقات عبارت ایام آخر در پنج کتاب اول عهد عتیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از این موارد در تثنیه باب ۴ است... در این متن هنگامی که قوم اسرائیل در بدو ورود به سرزمین موعود قرار دارند، موسی هشدار می‌دهد که هنگامی که آنها وارد سرزمین موعود شدند، اگر از خدا سرپیچی کنند و از محتوای عهدی که در کوه سینا بسته شد پیروی نکنند، در نهایت از سرزمین موعود بیرون رانده شده، به تبعید فرستاده خواهند شد. اما او ادامه می‌دهد که در صورتی که از سرزمین موعود اخراج شوند و به تبعید فرستاده شوند، در ایام آخر در صورت بازگشت به سوی خدا و خواندن او بازگردانیده خواهند شد و البته این خدای شگفت‌انگیز ما است که هیچگاه از قوم خود دست نمی‌کشد و آنها را به وضعیت اولیه خود باز می‌گرداند. همین موضوع پایه‌الاهیاتی محکمی از شخصیت خدا ارائه می‌دهد. خدای

که باز می‌گرداند، خدایی که حتی پس از ارتکاب به گناه، نجات می‌دهد. این حقیقت پایه‌ای است برای درک عمل نهایی خدا در عیسای مسیح و آنچه که او در ایام آخر انجام خواهد داد.

– دکتر اندرو ابرنتی

ساده است که ببینیم که هوشع اول این نبوت‌های اولیه دربارهٔ داوری و برکات امیدبخش پس از آن را در دوران سلطنت یربعام دوم، یعنی هنگامی که در پادشاهی شمالی می‌زیسته است انجام داده باشد. خدا او را خوانده بود تا به اسرائیل دربارهٔ داوری قریب‌الوقوع الاهی هشدار دهد و از آنها بخواهد که جویای رحمت الاهی باشند. اگرچه حکومت شمالی اسرائیل نسبت به این نبوت‌ها بی‌اعتنایی کردند و تحت داوری خدا قرار گرفتند، هدف هوشع در انتقال این هشدارها بسیار روشن بود.

اما چرا هوشع این نبوت‌ها و امید آیندهٔ مربوط به آنها را بعدها زمانی که در یهودا در حال نگارش کتاب خود بود، در کنار هم قرار داد؟ او امیدوار بود که به چه هدفی دست پیدا کند؟ یکی از دلایل واضح این است که این نبوت‌های اولیه پایه‌ای محکم برای درک حکمت در کل کتاب هوشع بخشید. همانطور که اسرائیل قبلاً تحت مجازات الاهی قرار گرفته بود، حالا یهودا نیز در حال رویارویی با داوری خدا بودند. بنابراین آنها نیازمند به حکمتی بودند که آنها را هدایت کند. این حکمت در این کتاب یافت می‌شد. علی‌رغم هر آنچه که اتفاق افتاده بود، یا در حال وقوع بود تنها یک راه وجود داشت که برکات روزهای آخر دریافت شود. یکی از پسران داوود می‌بایست اسرائیل و یهودا را مانند یک ملت واحد متحد کرده و هر دوی آنها را به برکات عظیم و نهایی خدا رهنمون کند.

باید توجه داشت که بر اساس دوم تواریخ باب ۳۰، حزقیا در ابتدای سلطنت خود برای تجدید اتحاد اسرائیل و یهودا به عنوان نوادهٔ داوود تلاش‌هایی به خرج داد اما بعدها به علت رو تافتن از خدا، همهٔ تلاش‌های او با شکست مواجه شد. اسرائیل دچار بی‌نظمی و اغتشاش شد و یهودا نیز تحت داوری خدا قرار گرفت. آنها هنوز در انتظار برکات مربوط به ایام آخر بودند.

حال نوبت بررسی کاربرد امروزی این بخش است.

کاربرد امروزی

ایمانداران مسیحی از کتاب هوشع به طرق مختلفی برای زندگی خود کاربرد عملی دریافت کرده‌اند. اما متأسفانه بسیاری از ما به صورت تصادفی از این کتاب نکات عملی گرفته‌ایم. ما معمولاً به مطالعهٔ خود ادامه می‌دهیم و در صدد آن هستیم که بر روی آیاتی تمرکز کنیم که مکشوف‌کنندهٔ نکاتی الاهیاتی هستند. و یا به طریقی در نقش یک اصل اخلاقی با سایر باورهای ما مطابقت دارد. روح‌القدس معمولاً تلاش می‌کند که توجه ما را به نکاتی

که مورد غفلت قرار گرفته‌اند جلب کند. اما در مجموع ما معمولاً سعی می‌کنیم که بر موضوعات اصلی که عموماً در نبوت‌های اولیه هوشع در رابطه با داوری و امید آینده آمده است تمرکز کنیم و بدین ترتیب به نتایج متفاوتی می‌رسیم. با بررسی کاربرد امروزی بخش اول، ما به دو ارتباط مهم بین این بخش از کتاب و عهد جدید بر می‌خوریم. اول، عهد جدید درباره کلیسا به عنوان عروس مسیح چه آموزه‌های ارائه می‌دهد؟ دوم، عهد جدید درباره ایام آخر چه تعالیمی در اختیار ما می‌گذارد؟ ابتدا به دیدگاه عهد جدید درباره عروس مسیح و چگونگی ایجاد ارتباط آن با زندگی‌های ما در ایام هوشع خواهیم پرداخت.

عروس مسیح

در سه فصل اول کتاب هوشع، داستان ازدواج او با جومر به صورتی نمادین رابطه خدا را با قوم خود یعنی اسرائیل و یهودا در عهد عتیق بیان می‌کند. هوشع و جومر با هم به وسیله پیمان ازدواج پیوند خورده بودند. بین خدا و قومش نیز به وسیله عهد خدا پیوند وجود داشت. جومر پیمان خود را با هوشع شکست. اسرائیل و یهودا نیز عهد خود را با خدا شکستند. هوشع محبت و عهد ازدواج خود را با جومر تجدید کرد. خدا نیز قول داد که محبت و پیمان خود را با قومش در ایام آخر تجدید کند. این دو مقایسه، هدفمندانه رابطه خدا با اسرائیل و یهودا را در موازات ازدواج بین دو انسان قرار می‌دهند.

سایر انبیا نیز ارتباط بین خدا و اسرائیل و یهودا را به ازدواج تشبیه کرده‌اند، اگرچه صورت شخصی به آن نداده‌اند. در اشعیا ۶۲: ۵ و ارمیا ۲: ۲، ۳۲؛ ۳۱: ۳۲ به اینچنین تشابهاتی بر می‌خوریم. عهد جدید نیز بر این تمثیل عهد عتیق که هوشع در آن خدا را به شوهر اسرائیل و یهودا تشبیه می‌کند، تحت عنوان کلیسا به صورت عروس مسیح تأکید می‌کند. این تشبیه در متونی از قبیل دوم قرنتیان ۱۱: ۲، افسسیان ۵: ۲۵-۳۳، مکاشفه ۱۹: ۷؛ ۲۱: ۲، ۹ دیده می‌شود.

این دیدگاه در عهد جدید بازتابی است از این حقیقت که کلیسای مسیحی ادامه آن چیزی است که در عهد عتیق به عنوان قوم خدا اطلاق می‌شد. در طول تاریخ کتاب مقدس، خدا فقط یک عروس داشته است. بنابراین مفهوم رابطه مسیح و ایمانداران مسیحی مفهوم جدیدی نیست. بلکه در واقع تداوم رابطه خدا با قوم خود در عهد عتیق است. قطعاً در کلیسای مسیح افراد غیر یهودی زیادی وجود دارند. اما نویسندگان عهد جدید به وضوح نشان می‌دهند که حتی در عهد عتیق، غیر یهودیان نیز با پیوستن به خانواده ابراهیم، این فرصت را داشتند که بخشی از قوم خدا را تشکیل دهند. به همین دلیل، مکاشفات هوشع درباره عروس خدا (اسرائیل و یهودا) در عهد عتیق، برای ما نیز که عروس مسیح هستیم کاربرد دارد، بدون اینکه نژاد ما در این رابطه تأثیری داشته باشد.

هنگامی که ما در عهد جدید دربارهٔ کلیسا سخن می‌گوییم، این نکته حائز اهمیت است که به یاد داشته باشیم این موضوعی نیست که عهد جدید آن را ابداع کرده باشد، بلکه ریشهٔ آن به هدف نجات‌بخش خدا در زمان اسرائیل و قبل از آن باز می‌گردد. خدا از قبل یک قوم، یک نقشه داشته که از ازل مقصود و هدف او بوده است. او از این هدف بعدها پرده‌برداری می‌کند... ایمانداران عهد عتیق به وعده‌های خدا باور داشتند. وعده‌هایی که بر عهد او بنا شده بود و به آمدن مسیح اشاره می‌کرد. کلیسا در حال حاضر در پرتو آمدن مسیح با درک بهتر و واضح‌تری به او ایمان دارد. اما وعده‌ها همان است و نجات‌دهنده همان؛ ما همه با هم در این سهیم هستیم. ما در همهٔ اعصار، از همان یک قوم خدا هستیم. با این وجود در عهد جدید، ما با تفاوت‌هایی بر می‌خوریم. برخی از این وعده‌ها در عهد جدید به تحقق پیوسته‌اند. در عهد جدید درک واضح‌تری نیز از این موضوع وجود دارد. در عهد جدید ما اجتماعی از افراد داریم که همگی به عیسای مسیح ایمان دارند و تولد تازه یافته‌اند. کلیسا در عهد جدید همان نقشی را داراست که قوم خدا در عهد عتیق داشت. باید مواظب باشیم که این دو را از هم تفکیک نکنیم. به یاد داشته باشیم که همواره صحبت از یک قوم و یک نقشه و هدف است که هنوز در حال انجام است. و در نهایت از آسمان جدید و زمین جدید یعنی هنگامی که مسیح دوباره بازگردد و همه چیز را به کمال برساند، همه یعنی یهود و غیر یهود، ایمانداران عهد عتیق و کلیسا شامل یهودیان و غیر یهودیان و در نهایت همهٔ ملت‌ها در مقابل عیسای مسیح زانو خواهند زد و تا ابد او را حمد خواهند گفت.

- دکتر استیون ج. ولوم

در این قسمت یعنی کاربرد امروزی بخش اول کتاب هوشع، به این حقیقت پی می‌بریم که ما عروس مسیح هستیم. اکنون نوبت به بررسی چگونگی تحقق امید آینده برای کلیسای مسیح در روزهای آخر است. در این بخش خواهیم دید که چگونه این وعده‌ها در مسیح برای عروس او به تحقق می‌پیوندند.

روزهای آخر در مسیح

در بخش اول این کتاب، هوشع نشان می‌دهد که قطعاً پس از دوران داوری، خدا برکات خود را بر اسرائیل و یهودا جاری خواهد ساخت. او این را روشن می‌کند که این در «ایام آخر» به وقوع خواهد پیوست. اما از آنجایی که قوم خدا نسبت به او سرکشی نشان دادند، مجازات و تنبیه الهی بر آنها به مدت ۷۰۰ سال طول کشید. علیرغم داوری طولانی خدا، عیسی و رسولان قرن اول و انبیا هیچگاه امید خود را بر تحقق وعده‌های خدا دربارهٔ ایام آخر از دست ندادند. بلکه بارها و بارها نویسندگان عهد جدید، دوران عهد جدید را که دوران کلیسای مسیح است، روزهای آخر دانستند. آنها برای تشریح این موضوع از واژهٔ اسکاتوس (Eschatos) استفاده کردند. این همان واژه‌ای است که کلمهٔ انگلیسی Eshchatology به معنی آخرت‌شناسی از آن مشتق می‌گردد. در واقع نویسندگان عهد جدید این

آموزه را تعلیم می‌دادند که عیسی همان نوادهٔ بزرگ داوود است که نبوت هوشع را دربارهٔ روزهای آخر به تحقق در آورد.

اما همانطور که در سایر مجموعه دروس نیز دیده‌ایم، در عهد جدید برکات مربوط به روزهای آخر برای کلیسا در سه مرحله به تحقق می‌پیوندد. اولین مرحله تاسیس پادشاهی مسیح است که عیسی بنیاد آن را بر پایهٔ کلیسا و خدمات رسولان و انبیا قرار داد. این مرحله در ظهور اولیهٔ او انجام پذیرفت. مرحلهٔ دوم تداوم پادشاهی مسیح طی تاریخ کلیسا است. و مرحلهٔ سوم تکمیل پادشاهی است که هنگام بازگشت ثانوی مسیح در جلال صورت خواهد پذیرفت. او در این مرحله همه چیز را نو می‌کند.

اناجیل موجود در عهد جدید بر این مطلب تاکید می‌کنند که ظهور عیسی و خدمت زمینی او، آغاز تحقق نبوت هوشع دربارهٔ امید روزهای آخر برای عروس خدا است. عیسی بقیته از پیروان خدا را از یهودا دعوت می‌کند. اما او افرادی را نیز از منطقهٔ شمالی اسرائیل، علی‌الخصوص اطراف دریاچهٔ جلیل نیز به پیروی خود می‌خواند. او با تشکیل کلیسا به وسیلهٔ پیروان امین از هر دو ناحیهٔ جغرافیایی شمال و جنوب ثابت کرد که به عنوان نوادهٔ بزرگ داوود اسرائیل و یهودا را با سلطنت خود دوباره متحد می‌کند.

در عین حال، کار عیسی با به خدمت گماشتن رسولان و انبیا در اعمال ۱: ۸ نیز با نبوت هوشع دربارهٔ روزهای آخر هماهنگی دارد. متحد کردن مجدد اسرائیل و یهودا به عنوان خانهٔ داوود تنها بخشی از نقشهٔ خدا بود. برای اینکه نقشهٔ خدا برای روزهای آخر به تکمیل برسد، رسولان مسیح می‌بایستی نه فقط در قلمرو اسرائیل و یهودا بلکه «تا اقصای جهان» شاهدان او می‌شدند. به همین دلیل پطرس رسول در اول پطرس ۲: ۱۰ برای تشریح کلیسای اولیه به دو فصل اول کتاب هوشع اشاراتی می‌کند. او خاطرنشان می‌کند که این کلیسا متشکل از اهالی یهودا، شمال اسرائیل و غیر یهودیان بود. پطرس اینچنین می‌نویسد:

سابقاً قومی نبودید و الآن قوم خدا هستید. آن وقت از رحمت محروم، اما الحال رحمت کرده شده‌اید (اول پطرس ۲: ۱۰).

پولس نیز به این مطلب در رومیان ۹: ۲۵-۲۵ اشاره می‌کند. او نیز با توضیح این مطلب که خدا چگونه هم یهودیان و هم غیر یهودیان را در کلیسای مسیح در کنار هم قرار می‌دهد، به دو فصل اول هوشع اشاره می‌کند. این بخش‌ها نشان می‌دهند که نامزدی کلیسا با مسیح در سرتاسر جهان آغاز تحقق امیدهای هوشع برای روزهای آخر است. ثانیاً، مرحلهٔ دوم تحقق نبوت هوشع برای عروس مسیح در ادامهٔ روزهای آخر در طول تاریخ کلیسا است. عیسی در این زمان در آسمان سلطنت می‌کند ولی به فرایند تقدیس‌سازی عروس خود بر زمین همچنان ادامه

می‌دهد. همانطور که در افسسیان ۵: ۲۶-۲۷ اشاره شده است، مسیح برای عروس خود مُرد تا آن را به آب کلام بشوید و اینگونه کلیسا را طاهر ساخته، تقدیس کند - کلیسایی که مقدس و بی‌عیب باشد.

در طول تاریخ کلیسا، خدا به شکل بخشیدن به عروس خود به عنوان یک قوم واحد از یهودا و اسرائیل ادامه می‌دهد تا آنها را با غیر یهودیان سراسر دنیا پیوند دهد. او روح‌القدس را به عنوان بیعانه و پیش‌پرداخت داد تا ضمانتی برای برکات آینده روزهای آخر باشد. در اتحاد با روح‌القدس، به ما این امتیاز بزرگ داده شده است که با اعلام انجیل یا خبر خوشی که از فرا رسیدن روزهای آخر در مسیح صحبت می‌کند، پادشاهی خدا را گسترش دهیم. با انجام این کار، ما به صورت دست اول شاهد به تحقق پیوستن نبوت‌های هوشع می‌شویم. یهودیان و غیر یهودیان ساکن در نقاط مختلف جهان، به وسیله بازگشت به سوی خدا، اتحاد با قوم خدا، تسلیم شدن به پسر بزرگ داوود یعنی عیسی و توسعه ملکوت خدا به اقصی نقاط جهان وارد برکات روزهای آخر می‌شوند.

ثالثاً، نبوت‌های هوشع در بخش اول از ما دعوت می‌کند تا امروز در پرتوی امید نهایی خود که به تکمیل رسیدن پادشاهی مسیح است، زندگی کنیم. هنگامی که مسیح دوباره برگردد، با خود مجازات ابدی را برای آنانی که به او ایمان نیاوردند به همراه خواهد آورد. اما عهد جدید به ما تصویری پر جلال از عروس مسیح ارائه می‌دهد که در هنگام تحقق نهایی نبوت امیدبخش هوشع به آن دست خواهد یافت.

آفرینش، سقوط، نجات در مسیح و بالاخره کمال همه چیز. تاریخ رو به اتمام است. خدا همه چیز را به پایان می‌رساند. هر آنچه که اشتباه و غلط است، اصلاح خواهد شد. مسیح وعده داده است که باز می‌گردد. او در یوحنا ۱۴ می‌گوید که رفته و مکانی برای ما تدارک خواهد دید و هنگامی که برود تا جایی برای ما فراهم کند، باز خواهد گشت و ما را با خود خواهد برد. مسیح همچنین باز خواهد گشت تا زندگان و مردگان را داوری کند... بازگشت مسیح به چند دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از این دلایل است که بازگشت او در واقع تکمیل کار قیام او از مردگان است. او برخاسته است. حقیقتاً برخاسته است. اما او برخاست تا دوباره بازگردد. این همان چیزی است که ما در مراسم شام خداوند اعتراف می‌کنیم. اینطور نیست؟ «هرگاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که باز آید.»

- دکتر وودی باکام

در مکاشفه ۹: ۷-۸، یوحنا رسول بازگشت مسیح را به صورت یک جشن عروسی بزرگ ترسیم می‌کند. به کلمات یوحنا توجه کنید:

شادی و وجد نماییم و او را تمجید کنیم زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است. و به او داده شد که به کتان پاک و روشن خود را بپوشاند، زیرا که آن کتان عدالت‌های مقدسین است (مکاشفه ۱۹: ۷-۸).

هنگامی که عروس مسیح وارد آفرینش جدید خدا گردد، همه برکات امیدبخش هوشع پس از داوری در روزهای آخر در کمال به تحقق خواهند پیوست. ایمانداران از یهودا، از اسباط شمالی اسرائیل و از همه ملل جهان وارد این آفرینش جدید خدا خواهند شد. بنابراین نبوت‌های اولیه هوشع درباره داوری و امید آینده باید در ما انگیزه‌های ایجاد کنند که به عنوان عروس مسیح به برکات پر جلال آینده امید ببندیم. بدین ترتیب ما باید با شادی خود را به بخش خبر برکات عظیم روز آخر در تمام نقاط جهان بسپاریم تا زمانی که مسیح در جلال خود بازگشت کند.

یکی از راه‌های خوب تفکر درباره زندگی‌ای که مسیحیان در حال حاضر بر زمین می‌کنند، این است که به آن به عنوان حد فاصل بین ظهور اولیه مسیح و بازگشت ثانوی او نگاه کنند. در این صورت تمام این دوره، وعده روزهای آخر است. به نظر این عجیب است. چرا خدا کار نجات را یک باره به انجام نرساند؟ چرا او در همان ظهور اولیه مسیح بر زمین، زمین جدید را نیافرید؟ پاسخ واقعی این است که ما نمی‌دانیم. زیرا که ما خدا نیستیم. این خدا است که همه چیز را تعیین می‌کند. اما در حال حاضر که منتظر بازگشت پر جلال و با قدرت مسیح هستیم، چیزهای جدید شروع شده‌اند. روح القدس به صورتی تازه‌تر و قدرتمندتر بر مسیحیان نازل شده است. خدا در حال انجام اعمالی تازه در مسیح است. او به صورتی بس قدرتمندتر از هر زمان دیگر پیغام خبر خوش خود را به همه ملل جهان می‌فرستد. بنابراین دوباره خدا در حال انجام کارهای جدید است. ما در انتظار تکمیل و پری آن چیزی هستیم که خدا قرار است در آینده در مسیح انجام دهد، یعنی آنچه او برای همه دنیا، نژاد بشر و برای همگانی که اطمینان خود را بر او گذاشته‌اند. اما با وجود این انتظار برای پایان، حقیقت این است که این پایان آغاز شده است، اما هنوز تکمیل نشده است. اینچنین درکی در طرز زندگی امروز ما به عنوان یک مسیحی، نقشی اساسی و بنیادی دارد.

- دکتر جفری گیبز

حال که به بررسی مکاشفات هوشع در ارتباط با داوری و امید الهی پرداختیم، نوبت آن است که به بخش دوم این کتاب یعنی پرده‌برداری خدا از داوری بپردازیم.

پرده‌برداری از داوری

هوشع در بخش دوم کتاب خود به گردآوری نبوت‌های خود در ارتباط با داوری خدا بر علیه اسرائیل و یهودا می‌پردازد. این نبوت‌ها در طول سالیان طولانی خدمت هوشع از خدا دریافت شده بود. او توجه مخاطبین خود، یعنی آنانی که در یهودا زندگی می‌کردند را به این نبوت‌ها جلب می‌کند تا به آنها در شرایطی که با آن دست به گریبان بودند حکمت بیاموزد. در این زمان، خدا داوری سخت خود را بر اسرائیل اعمال کرده بود و حالا یهودا را به رویارویی با این تنبیهات تهدید می‌کرد. اما رهبران یهودا قرار بود چه حکمتی از این مکاشفات بیندوزند؟ آنها چگونه می‌بایست در پرتو نبوت‌های هوشع قوم خدا را رهبری کنند؟ و بالاخره نبوت‌های موجود در بخش دوم کتاب هوشع چه درس حکمت‌آموزی به ما می‌دهد؟

همانطور که در درس گذشته نیز دیدیم، فصول مربوط به پرده‌برداری از داوری الهی به دو قسمت تقسیم می‌شود. اول، این قسمت با دو شکایت‌نامه دیگر خدا در ۴: ۱-۵: ۷ آغاز می‌شود. دوم، هوشع نبوت‌هایی را مد نظر دارد که به دو زنگ خطر هشدار خدا در ۵: ۸-۹: ۹ اشاره می‌کنند.

همچنین، همانطور که به یاد دارید، هوشع این نبوت‌ها را طوری ترسیم می‌کند که نشان می‌دهد خدا تنبیهات خود را توسط دو حمله مهم آشوریان اعمال می‌کند. هوشع همزمان با مکاشفات مربوط به حمله آشوریان در ۷۳۲ ق. م. بر نبوت‌هایی که شکایت‌نامه‌های خدا را در بر داشت تمرکز می‌کند. نبوت‌های او درباره هشدار زنگ خطر گونه خدا نیز همزمان با دریافت مکاشفات درباره حمله آشوریان در سال ۷۲۲ ق. م. بود.

در این قسمت، با در نظر گرفتن معانی اصلی این فصل‌ها، به پرده‌برداری خدا از داوری خواهیم پرداخت. سپس کاربرد امروزی این بخش‌ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. حال ابتدا به معنی اصلی بخش دوم این کتاب خواهیم پرداخت.

معانی اصلی

هوشع امیدوار بود که مکاشفات او در این فصول به مخاطبین اصلی او حکمت بیاموزد. ما این قسمت را به شرح زیر مطالعه خواهیم کرد:

اسرائیل به علت سرکشی مداوم خود با داوری فزاینده خدا روبرو بود، و حالا یهودا نیز به دلیل گردنکشی با مجازات مشابه گریبانگیر است.

قبل از آنکه هوشع کتاب خود را به اتمام برساند، آشوریان اسرائیل را به تباهی کشیده بودند و یهودا را نیز به نابودی تهدید کرده بودند. هوشع برای توضیح علت این وقایع از نبوت‌هایی که در مراحل مختلف خدمت خود از

خدا دریافت کرده بود استفاده می‌کند تا مخاطبین اصلی خود را در دو جنبه متقاعد کند. اول، اسرائیل به دلیل سرکشی‌های مداوم خود به صورت عادلانه تحت دآوری فزاینده خدا قرار گرفت. دوم، یهودا نیز اکنون با تنبیهات مشابهی مواجه بود. زیرا آنان نیز نسبت به خدا بی‌اطاعتی نشان داده بودند.

برای درک معنی اصلی این بخش، ابتدا باید به بی‌اطاعتی اسرائیل نظر بیفکنیم. سپس به سرکشی یهودا نسبت به خدا خواهیم پرداخت.

سرکشی اسرائیل

در طول این فصول، نبوت‌های هوشع به قدری بر سرکشی‌های مکرر اسرائیل تمرکز داشت که بررسی این موضوع بسیار دشوار به نظر می‌آید. اما اگر به این قضیه از دو جنبه اتهامات خدا و تنبیهات او نگاه کنیم، به درک راحت‌تری دست خواهیم یافت.

اتهامات: از یک سو، نبوت‌های هوشع توجه ما را به چهار نوع از اتهامات علیه اسرائیل جلب می‌کند. اول او نشان می‌دهد که اسرائیل عهد و قانون بنیادی و اولیه خدا را شکسته است. در بخشی که به شکایت‌نامه‌های خدا پرداختیم، دیدیم که شکایت‌نامه‌های پیشین خدا با محکومیت‌هایی با سطوح متفاوت آغاز شد. در ۴: ۱ هوشع می‌گوید که اسرائیل فاقد وفا، محبت و شناخت خدا هستند. در آیه دو، او در واقع به شکستن ده فرمان اشاره می‌کند. او می‌گوید «بلکه لعن و دروغ و قتل و دزدی و زناکاری.» او در همین آیه به طور خاصی بر گناهان همراه با خشونت رقت‌آمیز اشاره می‌کند: «خونریزی در پی خونریزی.» هوشع در ۴: ۶ با اشاره به «ترک معرفت»، وضعیت گسترده‌ای را تشریح می‌کند که اسرائیل در اثر به فراموشی سپردن خدا در آن افتاده‌اند. هوشع در شکایت دوم خدا بر علیه خشونت گسترده سخن می‌گوید. او در ۵: ۲ اعلام می‌کند: «عصیانگران در در کشتار طریق افراط پیموده‌اند.»

سپس در نبوت‌هایی که به طور خاص بر زنگ خطرهای هشداردهنده خدا تمرکز دارند، می‌بینیم که در اولین هشدار نیز خدا بر عهد و قانون خود تاکید می‌کند. در ۶: ۷ خدا می‌گوید: «ایشان همچون آدم از عهد تجاوز کردند.» آیات ۸ و ۹ دوباره به ذکر خشونت می‌پردازند: «جلعاد شهر شرارت پیشگان... اثر قدم‌های آنان لکه خون است... راهزنان به کمین مردم می‌نشینند... گروه کاهنان مرتکب قتل می‌شوند.» در هوشع ۷: ۱ در مورد اتهام دیگری درباره خشونت بسیار گسترده سخن می‌گوید: «دزدان برای دزدی به بیرون می‌آیند، و راهزنان در بیرون غارت می‌کنند.» زنگ خطر دوم خدا در اتهاماتی است که در ۸: ۱ وارد می‌کند: «قوم (اسرائیل) عهد مرا زیر پا نهاده و بر شریعت من عاصی گردیده‌اند.» در آیه ۱۲ خدا به صورتی طعنه‌آمیز به این نتیجه می‌رسد که اسرائیل نسبت به او بی‌اعتنایی کرده‌اند. او حتی می‌نویسد: «هزاران حکم شریعت خود را برای‌شان نوشتم.» در واقع ۹: ۷ نشان می‌دهد که اسرائیل نگاهی تحقیرآمیز بر پیام‌آوران عهد یعنی انبیا داشتند. این آیه می‌گوید: «نبی احمق شده است و صاحب

روح دیوانه.» هوشع هیچ جای شک و شبهه به جای نمی‌گذارد. اسرائیل شدیداً از قانون و عهد خدا سرپیچی کرده بودند.

اتهام دومی که در این فصل بر آن تاکید شده است، بت‌پرستی گسترده‌ای بود که در سراسر اسرائیل متداول بود. بت‌پرستی سرپیچی بنیادینی بود که بی‌وفایی آنان را نسبت به خدا ثابت می‌کرد. این گناه در واقع تسلیم خیانت‌آمیز آنها به خدایان دروغین سایر ملت‌ها بود. بر اساس اول پادشاهان ۱۲: ۲۸، یربعام اول در آغاز تاسیس پادشاهی اسرائیل گوساله‌طلابی‌ای را قرار داد که همه او را بپرستند. هوشع می‌دانست که این سرکشی نسبت به خدا در راه سوی اختلاط بیشتر با بت‌پرستی به سبک مذاهب کنعانیان خواهد گشود. هرچقدر اسرائیل با ملل بیشتری پیمان دوستی می‌بست، به بت‌پرستی بیشتری سوق پیدا می‌کرد. زیرا ایجاد رابطه با متفقین بین‌المللی مستلزم شناخت خدایان آنها نیز بود.

هنگامی که ما با دیدگاه مدرن به کتاب هوشع می‌نگریم و می‌بینیم که او اسرائیل را به دلیل پیمان دوستی با سایر ملل محکوم می‌کند، شاید متعجب می‌شویم که چرا آنها نایستی متحدین بین‌المللی می‌داشتند. در دنیای امروز دوستی بین‌المللی امری مثبت است، چرا که این عهد دوستی بین دو کشور صلح، امنیت، قدرت و بسیاری موارد مثبت دیگر ایجاد می‌کند. ولی نکته‌ی حائز اهمیت این است که در عهد عتیق، هنگامی که یک ملت با ملت دیگر پیمان دوستی می‌بست، این بدان معنی بود که آنها از خدایان یکدیگر نیز پیروی می‌کردند. بنابراین هنگامی که اسرائیل با یهودا یا ملل خارجی عهد دوستی می‌بستند، در عمل خدایان آن ملت را نیز می‌پذیرفتند. این سرکشی بزرگی نسبت به خدای اسرائیل محسوب می‌شد. زیرا خدا از آنها انتظار داشت تا نسبت به او وفادار بمانند و تنها بر او اتکا کنند. اما متأسفانه به محض ایجاد پیمان دوستی با سایر پادشاهی‌ها، آنها موظف بودند حداقل شناخت کمی هم شده بود از خدایان آنها به عمل بیاورند. آنها متأسفانه پیش رفته و بر آن خدایان توکل می‌کردند و خطاب به آنها دعا می‌کردند.

- دکتر ریچارد پرت

بت‌پرستی گسترده‌ای بین قوم خدا ترویج داشت و خدا آنها را بدین دلیل محاکمه می‌کند. او این موارد را در شکایت‌نامه‌ای منعکس می‌کند. در شکایت‌نامه اول در ۴: ۱۳، خدا آنها را متهم به اجرای بت‌پرستی بر «قله کوه‌ها، تپه‌ها، زیر درختان بلوط و سپیدار و بنه» می‌کند. در آیه ۱۷ صحبت از «افرایم» می‌کند که اشاره به حکومت شمالی اسرائیل است. او «به بت‌ها پیوسته است.» ما همچنین به این اتهام در شکایت‌نامه دوم نیز بر می‌خوریم. در ۵: ۱ در جایی که او کاهنان و سایر رهبران را محکوم می‌کند چنین می‌گوید: «شما دامی گشتید در مصفیه.» برخی

از مفسرین در نوشتجات خود صحبت از یافته‌های باستان‌شناسی‌ای می‌کنند که نشانگر وجود بت‌های کنعانیان در مصفه است.

اینگونه اتهامات به بت‌پرستی در اولین زنگ خطر هشداردهنده نیز یافت می‌شوند. در ۵: ۱۳ ما می‌بینیم که اسرائیلیان به مملکت آشور رفتند تا با آشوریان و خدایان آنها پیمان دوستی ببندند. ۷: ۱۱ نشان می‌دهد اسرائیل به وسیله یاری طلبیدن از مصر و رفتن به آشور در پی خدایان غریب افتاد. خدا در دومین زنگ خطر هشدار دهنده خود در ۸: ۴ می‌گوید: «از نقره و طلای خویش بت‌ها برای خود ساختند.» در آیات ۵-۶ خدا به گوساله طلایی اشاره می‌کند که یربعام در دان برپا کرده بود: «ای سامره، گوساله تو رد شده است... گوساله سامره خرد خواهد شد.» در آیه ۹، خدا دوباره می‌گوید که اسرائیل «به آشور رفته‌اند.» آیه ۱۱ نشان می‌دهد که اسرائیل «مذبح‌های بیشتر برای گناه ساخته است.» هوشع در این فصل مکررا به خیانت بنیادی اسرائیل اشاره می‌کند. آنها به صورتی وقیحانه فرمان اول و دوم ده فرمان را زیر پا گذاشته بودند. این دو فرمان اساسا بر علیه آیین بت‌پرستی سایر ملل و اجرای آن توسط قوم خدا سخن می‌گفت.

سومین اتهامی که مکررا در این فصل از آن سخن به میان می‌آید، اشاره به زناکاری و فاحشه‌گری اسرائیل است. رنجی که هوشع از خیانت فاحشه‌گرانه همسر خود کشیده بود موجب شده که با دردی جگرسوز درباره این اتهامات وارده بر اسرائیل صحبت کند. این فصل‌ها به طور خاص درباره رنجش و دلخوری است که خدا از قوم خود دارد. آنها در فسق و هرزگی آیین مذهبی و پرستش دیگران شرکت می‌کردند و پرستش زناکارانه آنان را اجرا می‌کردند.

شکایت اول خدا در ۴: ۲ ظاهر می‌شود. او قوم خود را متهم به «زناکاری» می‌کند. این اتهام به اعمال فیزیکی مربوط بود که در آیین مذهبی پرستش آنان عملا اجرا می‌شد. در آیات ۱۰ و ۱۱ خدا به این موضوع اشاره می‌کند: «خویشتن را تسلیم فحشا و شراب کهنه نو کنند.» آنها آنقدر غرق در اجرای آیین بودند که در آیات ۱۲ و ۱۳ هوشع به روح یا روح شریر فحشا اشاره می‌کند که باعث گمراهی آنان شد، به طوری که خدای خود را ترک کرده و فاحشگی می‌کنند.. دختران شما فاحشگی می‌کنند... عروسان‌تان زنا می‌کنند. در آیه ۱۵ خدا می‌گوید: «تو ای اسرائیل فاحشگی می‌کنی.» در آیه ۱۸ می‌خوانیم: «خویشتن را به فحشا می‌سپارند.» سپس در شکایت‌نامه بعدی در ۵: ۳ خدا دوباره می‌گوید: «تو تن به فاحشگی داده‌ای» و در آیه ۴ می‌بینیم که «روح فحشا در وجود ایشان است.» آیات ارجاعی بسیاری درباره فسق و فجور اسرائیل دوباره در زنگ خطر هشداردهنده اول خدا به چشم می‌خورند. هوشع در ۶: ۱۰ اشاره به «فحشای افرایم» می‌کند. آیین مذهبی همراه با روابط جنسی به قدری متداول بود که خدا در ۷: ۴ می‌گوید: «ایشان جملگی زناکارند.» در دومین زنگ خطر هشداردهنده خدا، هوشع این اتهامات را به صورت کلی بیان می‌کند. او در ۸: ۹، مزدوران غریبه اسرائیل را «عاشقان اجیر شده» معرفی می‌کند. خدا در

۹: ۱ می‌گوید: «تو به خدای خویش خیانت ورزیده‌ای؛ تو در همهٔ خرمناگاه‌ها اجرت فاحشگی را دوست داشته‌ای.» خدا عمیقا از انجام این مراسم وقیحانه آزرده شده بود و حتی از آن منزجر بود.

هوشع همچنین در این فصل به چهارمین اتهام نیز می‌پردازد. این اتهام دربارهٔ پرستش ریاکارانهٔ خداوند بود. همانطور که در دنیای باستان معمول بود، رهبران اسرائیل به طور کامل مذهب ملی و آیین آن را ترک نمی‌کردند. آنها هنوز نام یهوه را در پرستش خود بر زبان آورده، به اسم او دعا می‌کردند و ادعا می‌کردند که در مقابل او سر فرود می‌آوردند. اما همهٔ این اعمال ظاهری از ته دل نبود.

به همین دلیل شکایت اول خدا مستقیما از رهبران پرستش اسرائیل بود. او در ۴: ۴ می‌گوید: «تویی، ای کاهن آن که من متهم می‌کنم.» به همین علت خدا در ۴: ۱۵ اصرار می‌کند که «به حیات خداوند سوگند بخورید.» همراه با این آیات، شکایت بعدی خدا در ۵: ۱ نیز به صورت گسترده‌تری به این ریاکاری اشاره می‌کند. «ای کاهنان...» بعدا به فرهیختگان «... خاندان اسرائیل...» اشاره می‌کند و سپس همهٔ سردمداران حکومت «... خاندان سلطنتی» را مورد مخاطب قرار می‌دهد. او در ۵: ۶ می‌گوید: «آنان با گله‌ها و رمه‌های خویش خواهند آمد تا خداوند را بجویند.» اما او خاطر نشان می‌کند که «او را نخواهند یافت زیرا خود را از ایشان دور ساخته است.»

در زنگ خطر هشداردهندهٔ اول، هوشع از آنها استدعا می‌کند که توبه کنند و با خلوص قلب خدا را بپرستند. او در ۶: ۱ می‌گوید: «بیاید نزد خداوند بازگشت کنیم.» اما او در آیهٔ ۴ حقیقت دیگری را مکشوف می‌کند. او نشان می‌دهد که «محبت آنها مانند ابر صبحگاهی است و همچون شب‌نم که به زودی می‌گذرد.» در آیهٔ ۶ خدا مصرانه می‌گوید: «محبت را می‌پسندم نه قربانی را»، «معرفت خدا را بیش از قربانی‌های تمام‌سوز.» هوشع ۶: ۹ ریاکاری «کاهنان» را مورد مخاطب قرار می‌دهد. بر اساس ۷: ۷ در حالیکه پادشاهان اسرائیل یکی پس از دیگری در حال سقوط هستند، خدا می‌گوید: «همهٔ پادشاهان ایشان سقوط کرده‌اند و هیچ یک از ایشان مرا نمی‌خوانند.» در آیهٔ ۱۴ خدا اعلام می‌کند: «آنان از دل نزد من فریاد بر نمی‌آورند.» بر اساس آیهٔ ۱۶ «ایشان باز می‌گردند (یعنی توبه می‌کنند) اما نه به سوی آن متعال.»

در زنگ خطر هشدار دهندهٔ دوم نیز با اینچنین اتهاماتی روبرو می‌شویم. در ۸: ۲ خدا گفت: «اسرائیل نزد من فریاد برآورده می‌گویند، «ای خدای ما، ما تو را می‌شناسیم.» اما در حقیقت، همانطور که آیهٔ ۳ می‌گوید: «اسرائیل آنچه را که نیکو است رد کرده است.» و بر اساس آیهٔ ۱۳ «حیوانات را قربانی می‌کنند و گوشت‌شان را می‌خورند، اما خداوند آنها را نمی‌پذیرد.» اگرچه عده‌ای قلیل در اسرائیل همچون هوشع ایمانداران واقعی بودند ولی به طور کلی نبوت‌های هوشع این را آشکار می‌کند که خداترسی اکثریت اسرائیل، علی‌الخصوص رهبران آنها، کاذب و دروغین بود.

با نگاهی کلی به اتهاماتی که خدا بر اسرائیل وارد می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که گناهان اسرائیل نه تنها گناهی جزئی و بی‌اهمیت نبود، بلکه حکومت شمالی درگیر سرکشی‌ای فاحش بر علیه خدا بود. آنها عهد

خدا را رد کرد بودند، درگیر بت پرستی گسترده‌ای بودند و خود را به ناپاکی و زناکاری مذهب پر فحشای ملل دیگر سپرده بودند و هنگام پرستش از خود ریاکاری نشان می‌دادند. پیشگویی هوشع به طور واضح نشان می‌دهد که گناهان اسرائیل مستحق داوری شدید الهی بود. بنابراین این اتهامات نشانگر سرکشی اسرائیل نسبت به خدا بود. به همین دلیل داوری خدا در واکنش به این سرکشی قریب‌الوقوع بود.

داوری‌ها: قبل از بررسی مجازات‌های وارده بر اسرائیل، بسیار مهم است که دو چیز را به خاطر داشته باشیم. اول، مثل نبوت‌های سایر انبیا، هوشع نیز بر مجازات‌هایی که ما آنها را «مجازات‌های موقتی» می‌نامیم تمرکز دارد. این مجازات‌ها شامل مشکلات مالی، قحطی، مرگ و تبعید بود که به صورت پیامد حملات آشوریان بر اسرائیل اعمال می‌شد. هوشع به داوری ابدی اشاره‌ای نمی‌کند. داوری ابدی در روزهای آخر هنگامی که تاریخ در حال اتمام است انجام خواهد شد.

دوم، همانطور که عهد عتیق و عهد جدید می‌آموزند، هنگامی که خدا داوری موقتی خود را اعمال می‌کند، اهداف بسیار متفاوتی برای غیر ایمانداران و ایمانداران حقیقی در ذهن دارد. مقصود او از فرستادن آن داوری‌ها بر بی‌ایمانان با فرستادن آنها بر ایمانداران حقیقی متفاوت است. بی‌ایمانانی که هرگز توبه نکرده‌اند و به ایمان نجات‌بخش دست نیافته‌اند، داوری موقتی برای آنان در حالیکه تاریخ به سوی کمال روزهای آخر است، در نهایت به داوری ابدی منجر می‌انجامد. اما در رابطه با ایمانداران حقیقی، داوری‌های موقتی خدا در واقع چوب تادیب بر محبت خدا برای آنها است که تضمین‌کنندهٔ برکات جاودانه در هنگام کمال روزهای آخر است.

به داوری‌های مربوط به زمان حملهٔ آشوریان در سال ۷۳۲ توجه کنید. این مورد در شکایت‌نامهٔ خدا مطرح شده است. از آنجا که اینها مربوط به اوایل خدمت هوشع است، این نبوت‌ها عملاً اشاره به داوری‌های موقتی و محدود می‌کنند. به طور نمونه در شکایت‌نامهٔ خدا در ۴: ۳ هوشع صحبت از مشکلات اقتصادی و غذایی می‌کند: «زمین ماتم می‌کند... (مردم) پژمرده می‌گردند... حیوانات صحرا... پرندگان... ماهیان از میان می‌روند.» در آیات ۴ و ۵ خدا ابتدا به رهبران اشاره می‌کند، نه همهٔ ملت. او «کاهنان... انبیا و ... مادر» را مورد خطاب قرار می‌دهد. اصطلاح آخر مربوط به فرهیختگان و طبقهٔ تحصیلکردهٔ سامره بود. خدا دوباره در آیهٔ ۶ کاهنان را مخاطب قرار می‌دهد: «من نیز تو را ترک کرده‌ام تا دیگر برای من کهانت نکنی.» در آیهٔ ۷ او اعلام می‌کند: «جلال ایشان را (یعنی دوران کامیابی اسرائیل) را به رسوایی بدل خواهم کرد.» خدا در آیهٔ ۱۰ آنان را تهدید می‌کند که کاهنان‌شان را دوباره مجازات خواهد کرد: «آنان خواهند خورد، اما سیر نخواهند شد.» همچنین در آیهٔ ۱۴ خدا داوری را به صورت برجسته‌ای محدود می‌کند. «من دختران شما را و... عروسان‌تان را مجازات نخواهم نمود.» من دختران و عروسان‌تان را اگر در حال فاحشگی و زناکاری باشند مجازات نخواهم کرد، چون تقصیر اصلی با پدران و شوهران است. در آیهٔ ۱۶، هوشع خاطر نشان می‌کند که خدا دیگر اسرائیل را «همچون بره‌ها در مرتع وسیع» نخواهد چرانید. بلکه بر عکس در آیهٔ ۱۹ ذکر می‌کند: «شرمسار خواهند شد.»

به همین ترتیب، خدا در شکایت‌نامه بعدی خود رهبران اسرائیل را مورد خطاب قرار می‌دهد. او در آیه ۵: ۲ می‌گوید: «من آنان را جملگی تادیب خواهم کرد.» آیه ۵ نشان می‌دهد که اکثر این سختی‌ها بر حکومت شمالی اسرائیل خواهند آمد. در این بخش، ما می‌خوانیم: «اسرائیل... در تقصیرات خویش می‌لغزند.» همانطور که تا به حال دیده‌ایم، زنگ خطر دومی که خدا بر هوشع مکشوف کرد، درباره حمله آشوریان در ۷۲۲ ق. م. بود - حمله‌ای که منجر به سقوط سامره شد. بنابراین همانطور که باید انتظار می‌رفت، داوری خدا بر علیه گناه اسرائیل خیلی جدی‌تر و شدیدتر از آن چیزی بود که پیشگویی شده بود. در زنگ خطر اول، خدا در ۵: ۹ اعلام می‌کند که اسرائیل «تبدیل به یک ویرانه خواهد شد.» در آیه ۱۱ اسرائیل مورد ظلم واقع خواهد شد و در داوری له خواهد شد. بر اساس آیه ۱۳، پیمان دوستی اسرائیل و آشور قادر به شفای او نیست. در آیه ۱۴ خدا از تبعید از سرزمین موعود خبر می‌دهد: «خواهم ربود و رهاننده‌ای نخواهد بود.» خدا با اینکه به شدت داوری خود می‌افزاید اما دوباره در ۷: ۱ می‌فرماید که با این وجود درصدد شفای اسرائیل بوده است. اما اسرائیل به سرکشی خود بر علیه خدا ادامه داد. چنانکه آیه ۱۰ می‌گوید: ایشان به سوی یهوه خدای خویش بازگشت نمی‌کنند، و با وجود این همه، او را نمی‌طلبند.» بنابراین در آیه ۱۳ خدا اعلام می‌کند: «وای بر آنان... هلاکت بر ایشان باد.» در همان آیه، خدا دوباره تایید می‌کند که: «می‌خواستم آنان را فدیة دهم.» اما آنان به راه‌های گناه‌آلود خود ادامه دادند. در نتیجه آیه ۱۶ نشان می‌دهد که «رهبران... به شمشیر خواهند افتاد.»

زنگ خطر دوم خدا که در اصل کمی قبل از حمله آشوریان در ۷۲۲ ق. م. دریافت شد، در ۸: ۳ اعلام می‌کند «دشمن اسرائیل را تعقیب خواهد نمود.» آیات ۶ و ۷ اعلام می‌کنند: «گوساله سامره خرد خواهد شد. ایشان باد را کاشته‌اند پس گردباد را خواهند دروید.» سپس در آیه ۸ می‌گوید: «اسرائیل بلعیده شده است» توسط آشور. آیه ۱۰ نشان می‌دهد که رهبران اسرائیل «به زودی تحلیل خواهند رفت، زیرا خود را فروخته‌اند.» هوشع به تبعید قریب‌الوقوع به مملکت آشور اشاره می‌کند. او در آیه ۱۳ می‌گوید: «ایشان به مصر باز خواهند گشت.» همانطور که خدا در ۹: ۳ می‌گوید: «در زمین خداوند باقی نخواهند ماند... افرایم به مصر باز خواهد گشت و در آشور طعام نجس خواهند خورد.» شکست اسرائیل به قدری شدید خواهد بود که خدا در آیه ۶ درباره آن می‌گوید: «مصر ایشان را گرد خواهد آورد... دفن‌شان خواهد کرد.» و هوشع در آیه ۷ درباره سقوط قریب‌الوقوع سامره پیشگویی می‌کند: «ایام مجازات آمده است... روزهای مکافات فرا رسیده است.»

تبعید به کشور آشور مجازاتی از سوی خدا در قبال گناهان قوم بود. زیرا آنان خدا و قانون او را ترک کرده بودند. در کتاب هوشع ما می‌بینیم که نویسندگان توضیحات زیادی درباره تبعید به آشور می‌دهد. در ۹: ۷ این نبی می‌گوید: «ایام مجازات آمده، روزهای مکافات فرا رسیده است، اسرائیل این را خواهد دانست. نبی احمق شده است، و صاحب روح،

دیوانه به سبب شرارت بزرگ و نفرت بسیار تو.» او با ذکر عبارات «ایام مجازات» و «روزهای مکافات» به تبعید به آشور اشاره می‌کند.

در همان فصل در ۹: ۱۵ ما به این عبارات بر می‌خوریم: «همه شرارت ایشان در جلال است. در آنجا از شرارت ایشان متنفر گشتم. به سبب شرارت اعمال‌شان ایشان را از خانه خود بیرون خواهم راند. دیگر ایشان را دوست نخواهم داشت زیرا همه رهبرانش یاغی‌اند.» او نشان می‌دهد که به دلیل سرکشی، بی‌اطاعتی و شرارت، روزهای تبعید برای مردم اسرائیل فرا رسیده است و یا فرا خواهد رسید.

در آخر در همان فصل، در ۹: ۱۷ او می‌گوید: «خدای من ایشان را طرد خواهد کرد زیرا به او گوش فرا ندادند، و در میان قوم‌ها سرگردان خواهند شد.» قبل از تبعید انبیای مختلفی آنان را دعوت به توبه کرده بودند که یکی از آنها هوشع بود. اما مردم در بی‌اطاعتی، بی‌اعتنایی نشان دادند و در نتیجه با تبعید که در واقع مجازات خدا بود روبرو شدند. آنها به تبعید رفتند، زیرا بر سرکشی خودخواسته بر علیه خدا مصرانه ادامه دادند.

- کشیش شریف گندی

همانطور که تا به حال دیدیم، معنی اصلی این بخش بر سرکشی اسرائیل بر علیه خدا تمرکز داشت. اما در بخش دوم، هوشع سرکشی یهودا را آشکار می‌کند.

سرکشی یهودا

دوباره به خلاصه نبوت هوشع در بخش دوم توجه کنید. این نبوت درباره پرده‌برداری از داوری قریب‌الوقوع است:

یهودا نیز با داوری مشابه اسرائیل روبرو بود. زیرا آنان نیز به خدا سرکشی ورزیدند.

اگر به یاد داشته باشید، در بخش اول هوشع درباره یهودا تنها چیزهای مثبتی می‌گفت، اما در این بخش او خاطر نشان می‌کند که با گذر زمان، یهودا نیز مثل اسرائیل عمل کرد. سخنان سایر انبیا و هوشع همگی گواه بر این هستند که سرانجام یهودا نیز مانند اسرائیل قانون و عهد خدا را ترک گفت. آنها نیز مثل اسرائیل به بت‌پرستی پرداختند و آن را همه جا رواج دادند، در آیین پرستشی که فاحشگی و زناکاری جزو اصول آن بود شرکت کردند و عبادتی ریاکارانه نسبت به خدای حقیقی ابراز کردند. در پیامد همه اینها، یهودا حالا در رویارویی با داوری الهی قرار داشت.

همانطور که می‌دانیم، پرده‌برداری هوشع از داوری الاهی، با دو شکایت‌نامه آغاز شد. شکایت‌نامه اول خدا دربارهٔ حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. زمانی اتفاق افتاد که عزیا و یوتام، هر دو و یا یکی از آنها، به عنوان پادشاهی عادل در حال سلطنت بودند. بنابراین در آغاز بخش دوم، ما هنوز به عبارات مثبت دربارهٔ یهودا بر می‌خوریم. در واقع، خدا به تضاد برجسته‌ای بین دو پادشاهی اسرائیل و یهودا اشاره می‌کند. در ۴: ۱۵ خدا می‌گوید: «هر چند تو ای اسرائیل فاحشگی می‌کنی، مگذار یهودا تقصیرکار گردد.» در این شکایت‌نامه اول، خدا به سادگی به یهودا اخطار می‌دهد که مثل اسرائیل شود.

اما با نزدیک شدن به حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. اینچنین دیدگاهی نسبت به یهودا در شکایت‌نامه دوم به چشم خورده نمی‌شود. در این مرحله از خدمت هوشع، آواز سلطنت خود را در یهودا آغاز کرده بود. او به ترویج بت‌پرستی و شیوع ظلم و بی‌عدالتی پرداخت. او برای حفظ خود و کشورش از خطر دشمنان، با آشور و خدایان آنها پیمان دوستی بست. بنابراین در ۵: ۵ خدا داوری خود را اعلام می‌کند. «اسرائیل... در تقصیرات خویش می‌لغزد، و یهودا نیز با ایشان خواهد لغزید.» و حقیقتاً یهودا این بار با تشکیل ائتلاف میان سوریه و اسرائیل به صورت‌های مختلف مورد رنج و آزار قرار گرفت. مکاشفات هوشع در ارتباط با زنگ خطر هشداردهندهٔ خدا یهودا را نیز مورد خطاب قرار می‌داد. به یاد دارید که در زنگ خطر اول، هوشع دربارهٔ حملهٔ آشور در سال ۷۲۲ ق. م. نبوت کرده بود. به همین صورت، آواز هنوز در یهودا سلطنت می‌کرد و در ۵: ۱۰ می‌خوانیم: «اسیران یهودا مانند کسانی گشته‌اند که مرزها را جابجا می‌کنند.» بسیاری از مفسرین بر این باورند که این متن مربوط به زمانی است که اسرائیل در اتحاد با سوریه به یهودا حمله می‌کند و آواز در پاسخ به این حمله اقدام به تصرف مرزهایی در بنیامین می‌کند. اگر این تفسیر صحیح باشد پس یهودا به جای آنکه در پی شفای قوم خدا باشد، سرزمینی را که وارثان اصلی آن اسرائیلیان بودند تصرف کرده و به حق و حقوق آنها تجاوز کرده بود. در پاسخ به این موضوع خدا در ۱۰-۱۴ یهودا را تهدید کرده و می‌گوید: «من خشم خویش را چون سیلاب بر ایشان خواهم ریخت... همچون پوسیدگی برای خاندان یهودا شده‌ام... برای خاندان یهودا همچون شیر ژیان شده‌ام... من خود خواهم درید و دور خواهم شد، خواهم ربود و رهاننده‌ای نخواهد بود.» با این عبارات، هوشع در واقع حملهٔ هراس‌انگیز و قریب‌الوقوع سنحاریب را پیشگویی می‌کرد که در سال ۷۰۱ ق. م. نیز به وقوع پیوست. خدا همچنین یهودا را به این متهم می‌کند که آنها با پرستش ریاکارانهٔ خود، صبر و تحمل خدا را مورد امتحان قرار دادند. به ۶: ۴ توجه کنید: «ای یهودا با تو چه کنم؟ محبت تو مانند ابر صبحگاهی است و همچون شب‌نم که به زودی می‌گذرد.» او در آیهٔ ۱۱ یهودا را به مجازات تهدید می‌کند. «برای تو نیز ای یهودا حصادی مقرر است.» واژهٔ حصاد احتمالاً اشاره به سختی و آزار قریب‌الوقوعی است که آنها از دست آشوریان متحمل می‌شدند.

آیا به یاد دارید خدا در زنگ خطر دوم، در حالیکه سقوط سامره در سال ۷۲۲ ق. م. بسیار نزدیک بود چه گفته بود؟ این واقعه در زمانی است که آواز و حزقیایا با هم در یهودا سلطنت می‌کردند. در ۸: ۱۴ خدا اشاره می‌کند

که «یهودا بر شهرهای حصاردار خود افزوده است.» این آیه به تلاش حزقیا برای حفظ یهودا در مقابل حمله آشور است. قطعا بنای شهرهای حصاردار به خودی خود عملی گناهکارانه نبود. اما این عمل حزقیا نشانی از سرکشی او نسبت به خدا بود. علاوه بر این، او برای حفظ خود از دست آشور، با مصر و خدایان آنها پیمان دوستی بسته بود. در نتیجه، خدا در آیه ۱۴ یهودا را به مجازات تهدید می‌کند: «من بر شهرهایش آتش خواهم فرستاد.» این تهدید با حمله سنحاریب در سال ۷۰۱ ق. م. به تحقق پیوست.

هنگامی که هوشع، بار اول دربارهٔ پرده‌برداری کردن خدا از داوری، مکاشفاتی دریافت کرد، او مستقیماً و مکرراً به نیاز به توبه، اول در اسرائیل و سپس در یهودا اشاره می‌کرد. خدا مدت خدمت او را به چندین دهه وسعت داد تا از صبر و تحمل خود نسبت به قومش خبر دهد. اما متأسفانه، سرکشی اسرائیل بیشتر و بیشتر شد. و در سال ۷۲۲ ق. م. خدا بالاخره اقدام به داوری و مجازاتی کرد که قبلاً آنها را به آن تهدید کرده بود. حکومت شمالی اسرائیل به وسیلهٔ آشور به نابودی کشیده شد و ساکنان آن به تبعید فرستاده شدند.

بعدها، هنگامی که هوشع در زمان سلطنت حزقیا کتاب خود را به نگارش در آورد، یهودا در حال روبرویی با تهدیدات مشابه دربارهٔ تباهی و تبعید بود. در پرتو این حقیقت، نبوت‌های هوشع در ارتباط با پرده‌برداری از داوری به رهبران یهودا دو دیدگاه مهم بخشید. از یک طرف این نبوت‌ها نشانگر این مطلب بودند که بدون شک صبر و تحمل خدا نسبت به اعمال داوری تنبیه‌آمیز حکومت شمالی اسرائیل بی‌نهایت زیاد بود. هیچکس قادر نبود که خدا را به خاطر سقوط سامره و به تبعید رفتن اسباط شمالی مورد سوال و مواخذه قرار دهد. از سوی دیگر، نبوت‌های هوشع رهبران یهودا را نیز بر حذر می‌داشت تا نسبت به شرایط پادشاهی خود با دیدی جدید نظر کنند. خدا به خاطر امانت و وفاداری یهودا در زمان عزیا و یوتام، از آنان مراقبت کرده بود. اما آحاز و حزقیا از راه‌های راستی و عدالت دور شده، از کسب حکمت الهی و در اختیار قرار دادن آن در دست رهبران یهودا سر باز زدند. یهودا نیز مانند اسرائیل دیگر از داوری و مجازات الهی در امان نبود.

با توجه به معنی اصلی این فصول دربارهٔ پرده‌برداری خدا از داوری، وقت آن است که به کاربرد امروزی این بخش پردازیم. این مکاشفات امروز چه اثراتی بر زندگی ما دارند؟

کاربرد امروزی

متأسفانه بسیاری از مسیحیان ایوانجلیکیال قادر نیستند که از بخش دوم کتاب هوشع دروس حکمت‌آمیز دریافت کنند. دلیل اصلی این است که این بخش فقط بر اتهامات و داوری خدا بر علیه قوم خود تمرکز دارد. بسیاری اوقات ما این تصور را داریم که از آنجا که مسیح ما را به وسیلهٔ مرگ و قیام خود از داوری الهی رهایی بخشیده است، این بخش‌های کلام خدا در خطاب به ما نوشته نشده است. ما می‌دانیم که یک ایماندار حقیقی، هنگام حضور در دادگاه الهی، توسط عدالت مسیح که تنها از راه ایمان کسب می‌شود تبرئه شده است. این عمل مسیح، رهایی

هر ایماندار حقیقی را از داوری جاودانی تضمین می‌کند. اینها جنبه‌های الزامی انجیل مسیح است. اما برای کسب دروس آموزنده از بخش دوم کتاب هوشع و مرتبط کردن آن با زندگی امروزی، باید به جنبه مهم دیگر آموزه‌های عهد جدید نیز پرداخت.

برای دریافت کاربرد امروزی از بخش دوم باید آن را در سایه یافته‌های خود از بخش اول مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا به آموزه عهد جدید درباره عروس مسیح خواهیم پرداخت. سپس تحقق روزهای آخر در مسیح را مورد بررسی قرار خواهیم داد. ابتدا به موضوع عروس مسیح خواهیم پرداخت.

عروس مسیح

همانطور که در دروس قبل دیدیم، همواره صحبت از یک عروس و یا قوم خدا بوده است، زیرا کلیسای عهد جدید متشکل از گروهی از مردم است که از زمان عهد عتیق آغاز به تشکیل کرده است. اما برای درک کاربرد امروزی نبوت‌های هوشع در ارتباط با پرده‌برداری خدا از داوری، نیاز به کشف یک ارتباط دیگر داریم. باید توجه داشت که چه در کلیسای مسیح و چه در یهودا و اسرائیل همواره بین دو گروه مرئی و غیر مرئی از مردم تمایز قائل شده است.

در رومیان ۲: ۲۸-۲۹، پولس رسول با آوردن آیاتی از عهد عتیق به این تمایز اشاره می‌کند. «یهودی راستین آن نیست که به ظاهر یهودی باشد...» یا آثار قابل رویت یهودی بودن را داشته باشد. «بلکه یهودی آن است که در باطن یهودی باشد» و یا شواهدی غیر قابل رویت داشته باشد. به همین دلیل، هوشع با اشاره بر پرده‌برداری از داوری الهی، هر دو گروه بی‌ایمانان و ایمانداران حقیقی به عنوان عروس عهد عتیق در اسرائیل و یهودا را مخاطب قرار می‌دهد.

به همین ترتیب الاهی‌دانان مسیحی همواره تمایزی بین کلیسای قابل رویت و غیر قابل رویت قائل می‌شوند. در عصر عهد جدید، کلیسای قابل رویت در برگیرنده همه کسانی است که به ایمان به مسیح معترف هستند. این مورد می‌تواند شامل فرزندان آنها و یا بالاخره کسانی باشد که به طریقی خود را با ایمان مسیحی قرین می‌دانند. اما کلیسای غیر قابل رویت در برگیرنده گروهی مخصوص از مردم است که در مسیح ایمان نجات‌بخش یافته‌اند و یا در آینده به آن دست خواهند یافت. بنابراین همانطور که هوشع، در اسرائیل و یهودا هر دو گروه بی‌ایمان و ایمانداران حقیقی را مورد خطاب قرار می‌دهد، ما نیز مکاشفات مربوط به داوری هوشع را باید به کلیسای قابل رویت مسیح در عصر حاضر مربوط کنیم.

ما همواره در دو مبحث الهیات و تاریخ، هر دو موضوع کلیسای قابل رویت و کلیسای غیر قابل رویت را باید مد نظر بگیریم. کلیسای قابل رویت عموماً به کلیسای محلی بدن مسیح اشاره می‌کند. کلیسای محلی ممکن است

متشکل از مسیحیان حقیقی و مردمی که تصور می‌کنند مسیحی هستند، باشد. کلیسای غیر قابل رویت، شامل قوم خدا است که از هر زمان و مکان، بر روی زمین و یا آسمان به ایمان حقیقی آمده‌اند. این گروه، افرادی هستند که تا ابد قوم خدا خوانده خواهند شد. کلیسای غیر مرئی‌ای که شامل اعضای بسیاری است که اکثریت آنان را نمی‌توان در عصر حاضر رویت کرد. زیرا یا در آسمان نزد خداوند هستند و یا در سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند. کلیسای قابل رویت، معمولاً چیزی است که ما غالباً به کلیسای محلی و یا گروه‌هایی مسیحیان اطلاق می‌کنیم. اما باید به یاد داشت که در کلیسای قابل رویت، همانطور که مسیح گفت، همواره «گندم و کرکاس» با هم خواهند بود. در اینچنین جمعی، همواره عده‌ای جزو قوم حقیقی خدا هستند و عده‌ای دیگر نیز آنانی هستند که در ظاهر به نظر می‌رسد که جزو قوم خدا هستند اما در عمل نیستند. در جمع شاگردان مسیح نیز همین مورد صدق می‌کرد. همه شاگردان نسبت به مسیح وفادار ماندند، اما در آن جمع یهودا نیز بود. پولس نیز در میان شاگردان خود دیماس را داشت.

—دکتر دونالد س. ویتنی

با در نظر گرفتن این عدم کاملیت عروس مسیح، اکنون نوبت آن رسیده است که به کاربرد امروزی نبوت‌های هوشع در ارتباط با پرده‌برداری از داوری بر کلیسا در ایام آخر بپردازیم.

ایام آخر در مسیح

همانطور که تا به حال ذکر کردیم، خدا برکات ایام آخر را در سه مرحله طبقه‌بندی می‌کند: تاسیس پادشاهی، ادامه پادشاهی، و تکمیل پادشاهی. عهد جدید به طور واضح تعلیم می‌دهد که در زمان تکمیل پادشاهی، عروس مسیح هنگام بازگشت پر جلال مسیح پاک خواهد شد. مسیح داوری ابدی خود را بر بی‌ایمانانی که در کلیسا هیچگاه توبه نکردند و ایمان نجات‌بخش را نیافتند، اعمال خواهد کرد. او در عین حال برکات فیض آمیز و جاودانه خود را بر ایمانداران حقیقی در کلیسا جاری خواهد ساخت. در آن زمان، عروس مسیح دیگر هیچگاه سخنانی درباره داوری و محکومیت نخواهد شنید. اما در فاصله زمانی بین تاسیس پادشاهی مسیح و تداوم آن، شرایط بسیار متفاوت است. مسیح در ظهور اولیه خود کلیسا را به صورت کامل پاک نکرد. عروس او در همه طول ایامی که ملکوت او در حال ادامه است نیز غیر کامل باقی خواهد ماند. بنابراین تا زمانی که مسیح، عروس خود را در بازگشت پر جلال ثانوی خود تکمیل نکند، داوری و تهدیدات خدا، همه افراد کلیسای قابل رویت را مورد خطاب قرار خواهد داد.

البته باید به یاد داشت که خدا خود را در مسیح بیشتر و بیشتر مکشوف کرده است. بنابراین حکمت موجود در نبوت‌های هوشع، همواره باید در پرتو نور مکاشفات عهد جدید بررسی شود. به آنچه که خود مسیح در لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷ در مرتبط کردن رستاخیز با توبه انجام می‌دهد توجه کنید. مسیح به شاگردان خود گفت:

بر همین منوال مکتوب است و بدینطور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سوم از مردگان برخیزد. و از اورشلیم شروع کرده، موعظه به توبه و آمرزش گناهان در همه امت‌ها به نام او کرده شود. (لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷)

در واقع در اینجا مسیح هوشع ۶: ۱-۲ را در پرتو مکاشفه عهد جدید، به خود مرتبط می‌کند. هوشع اعلام کرده بود که برکات خدا در صورتی که اسرائیل توبه می‌کرد و به سوی خدا بازگشت می‌کرد، به زودی «در روز سوم» فرا می‌رسید. مسیح از این آیات استفاده کرده و آنها را به رستاخیز خود از مردگان در روز سوم و دعوت به توبه مرتبط می‌کند. نمونه دیگر متی ۹: ۱۳ است. در این آیات نیز مسیح از نبوت حکمت‌آموز هوشع برای آموزش مخاطبین قرن اول خود استفاده می‌کند. مسیح گفت:

رفته، این را دریافت کنید که «رحمت می‌خواهم نه قربانی، زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» (متی ۹: ۱۳)

عبارت «رحمت می‌خواهم نه قربانی» از هوشع ۶: ۶ نقل قول شده است. در این متن، هوشع اسرائیل را به خاطر پرستش ریاکارانه‌شان مورد سرزنش قرار می‌دهد. مسیح از کلمات هوشع استفاده می‌کند تا یهودیان زمان خود را با ریاکاری‌شان روبرو کند.

این نمونه‌ها و استفاده آنها به وسیله مسیح نشان می‌دهد که بخش دوم این کتاب برای همه افراد موجود در کلیسای قابل رویت مسیح، از دوره ادامه پادشاهی مسیح، کاربرد دارد. و همانند زن هوشع، خدا به جاری کردن برکات خود، برکات موقتی و داوری موقتی خود بر عروس مسیح ادامه می‌دهد. هر دو گروه بی‌ایمانان و ایمانداران موجود در کلیسای قابل رویت از داوری موقتی در لباس سختی‌ها و مشکلات، بلایای طبیعی، بیماری‌ها، جنگ، ظلم و استبداد، مرگ جسمی و غیره رنج می‌کشند. همانطور که عهد عتیق و عهد جدید، هر دو نشان می‌دهند، مقصود و هدف خدا از فرستادن این داوری‌ها چند چیز است. گاهی او در واکنش به آنچه ما انجام داده‌ایم آنها را می‌فرستد و گاهی نیز او آنها را در پاسخ به اعمال افراد دیگر که به صورتی با ما مرتبط هستند، می‌فرستد. مسلماً کلیسای قابل رویت تا بازگشت مسیح، داوری موقتی خدا را تجربه خواهد کرد. زیرا همه آفرینش از زمان گناه آدم در حال آه کشیدن است.

به همین دلیل، اعلام داوری و اخطارهای هوشع بر علیه اسرائیل و یهودا هنوز برای ما درس آموزنده به همراه دارند. ما نیز همانند مردم زمان هوشع باید بر وسوسه شکستن قانون و عهد خدا غلبه کنیم. اما وظیفه ما این است که چون مردمی که در عهد جدید در مسیح زندگی می‌کنند به خدا و قانون و عهد او وفادار بمانیم. ما ممکن

است به بت پرستی متداول در زمان هوشع بپردازیم، اما از هرگونه بت پرستی که مربوط به زمان حاضر است باید اجتناب کنیم. ما ممکن است مثل آنان در فاحشگی و زناکاری به نوع پرستش مردم کنعان مشغول نباشیم، اما ما باید از هرگونه فساد جنسی اجتناب کنیم. و بالاخره ما ممکن است که در پرستش ریاکارانه به نوعی که اسرائیل و یهودا به آن عمل کردند درگیر نباشیم، اما خدا در هر صورت ما را به توبه و تسلیم خالصانه دعوت می کند. بنابراین هر یک از محکومیتها و داوری هایی که خدا بر علیه اسرائیل و یهودا ارائه داد، در پرتو عهد جدید معنی پیدا می کند و برای زندگی امروزه به ما حکمت می آموزد. پس اگر ما در حال تحمل داوری های موقتی خدا هستیم، باید خود را فروتن ساخته، توبه کنیم و ایمان خود را در مسیح احیا کنیم. اکنون پس از بررسی بخش اول و دوم کتاب هوشع، به بخش سوم خواهیم پرداخت که در رابطه با حکمتی است که هوشع می خواهد به وسیله نبوتها و پرده برداری از امید موجود، به مخاطبین خود بیاموزد.

پرده برداری از امید

در اولین بخش کتاب، هوشع تشریح کرد که اسرائیل و یهودا پس از گذراندن یک مرحله از داوری، در روزهای آخر و تحت حکومت خاندان داوود دوباره متحد خواهند شد. اما در بخش دوم، هوشع با اشاره به نبوت های چند دهه از خدمت خود، شرح می دهد که چرا خدا حق داشت اسرائیل را ویران کند و اینکه چرا هنوز حق دارد یهودا را داوری کند. این حقایق تلخ باید قلب رهبران یهودا را که اولین مخاطبین این کتاب بودند، به درد آورده باشد. آیا همه چیز از دست رفته بود؟ آیا از دست اسرائیل و یهودا کاری بر می آمد تا مسیر وقایع را عوض کند؟ سومین بخش کتاب، این پرسشها را پاسخ می دهد. در ضمن، هوشع سری جدیدی از مکاشفات را ارائه می دهد. این مکاشفات به جهت آنانی بود که برای رسیدن به برکات خدا مشتاق طریق حکمت بودند. به همان روش که در بخش های پیشین عمل کردیم، در اینجا نیز به بررسی آن چیزی خواهیم پرداخت که هوشع در مورد پرده برداری خدا از امید شرح می دهد. به این منظور ابتدا معنی اصلی آن را از نظر خواهیم گذراند. سپس به کاربرد امروزی آن خواهیم پرداخت. پس در رابطه با معنی اصلی، هوشع چه چیزی را می خواست به رهبران یهودا که اولین مخاطبین این کتاب بودند، القا کند؟

معنی اصلی

هوشع می توانست مکاشفات آخرین بخش کتاب خود را اینطور خلاصه کند:

امید برکات خدا در روزهای آخر در پاسخ پرفیض او به قومش یافت می‌شود، اما این برکات فقط زمانی داده خواهند شد که قوم خدا نسبت به داوری‌های او عکس‌العمل صحیح نشان دهند.

هوشع نبوت‌هایی را که در طی خدمت خود کرده بود، در این چند فصل جمع‌آوری می‌کند تا دو دیدگاه را پایه‌گذاری کند. اول آنکه، هنوز هم می‌توان به برکات خدا در روزهای آخر امید داشت. چون عکس‌العمل خدا نسبت به گناهان قومش پر از فیض است. دوم آنکه، نبوت‌های هوشع مشخص می‌کنند که نازل شدن برکات روزهای آخر تنها بستگی به عکس‌العمل درست قوم خدا نسبت به داوری‌های او دارد.

در این بخش سوم، هر دو دیدگاه هوشع را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. در این راستا ابتدا به واکنش خدا نسبت به قومش خواهیم پرداخت و بعد واکنش قوم را نسبت به او مورد بررسی قرار خواهیم داد. اول با این پرسش آغاز می‌کنیم: هوشع در نظر داشت تا رهبران یهودا چه چیزی را در مورد عکس‌العمل خدا نسبت به گناهان قومش یاد بگیرند؟

واکنش خدا

اگر به یاد داشته باشید، فصول کتاب هوشع در ارتباط با پرده‌برداری از امید به پنج قسمت تقسیم شده است. مقایسهٔ اسرائیل با میوه در ۹: ۱۰-۱۲ همزمان با دریافت اولین نبوت دربارهٔ حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. بود. مقایسه با نخل خرما کاشته شده در ۹: ۱۳-۱۷ و تاک برومند در ۱۰: ۱-۱۰ نیز از نبوت‌های مربوط به حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. است. مقایسهٔ با گوسالهٔ تربیت‌یافته در ۱۰: ۱۱-۱۵ و آخرین مقایسه، تشبیه اسرائیل به یک پسر محبوب است که در ۱۱: ۱ الی ۱۴: ۸ از آن ذکر به عمل آمده است. این تشبیه همزمان با دریافت نبوت‌های مربوط به حملهٔ آشور در سال ۷۲۲ ق. م. بود.

در این بخش از کتاب ما شاهد یک مورد کاملاً قابل توجه خواهیم شد. هوشع هر قسمت را با مقدمه‌ای آغاز می‌کند که در ارتباط با بازنگری خدا به رابطه‌اش با اسرائیل است. این بازنگری‌ها واکنش پر فیض خدا را نسبت به اسرائیل نشان می‌دهد، حتی زمانی که او آنها را تهدید به داوری کرد. در اکثر مواقع، به نظر غیر ممکن می‌رسد که خدا، در آن واحد که غضبناک است، بخشنده و رئوف نیز باشد. اما ساختار آخرین بخش این کتاب نشان می‌دهد که چنین چیزی ممکن است. خدا همزمان با ظاهر کردن داوری‌های خود به اسرائیل، مرحمت و لطف خود را نیز به آنها آشکار کرد. همین واقعیت به مخاطبین اصلی هوشع حکمتی را می‌بخشید که در رویارویی با چالش‌های روزمرهٔ زندگی، آن را در هیچ جای دیگری نمی‌یافتند.

میوه: هوشع با استفاده از مقایسهٔ حکومت شمالی اسرائیل با میوه در ۹: ۱-۱۲، این دیدگاه‌ها را معرفی می‌کند. این آیات فاش می‌کنند که بازنگری خدا از گذشته، عکس‌العمل پرفیض او را در قبال گناهان اسرائیل به

تصویر می‌کشاند. محبت خدا نسبت به اسرائیل در آیه ۱۰ مشهود است. خدا در آنجا یادآور می‌شود که آنان مثل «انگور در بیابان» و مثل «نوبر انجیر در ابتدای موسم» بودند. در اینجا خدا خاطر نشان می‌کند که چگونه در ایام موسی او آنها را در بیابان هدایت کرد. او خاطر نشان می‌کند که این موضع مطلوب خدا پایان نیافته است، اگرچه او صحبت از حمله آشور در سال ۷۳۲ ق. م. می‌کند.

این آیات در عین حال مکشوف‌کننده صبر و تحمل خدا نسبت به اسرائیل است. در آیه ۱۰ خدا به ذکر این واقعیت می‌پردازد که بت‌پرستی و فاحشه‌گری از خیلی وقت پیش آغاز شده است. «پدران شما... به بل فغور آمدند و خویشان را وقف قباحت کردند.» همانطور که در اعداد ۲۵ می‌خوانیم، در زمان موسی، در راه سفر به سوی سرزمین موعود، مردان اسرائیل بت‌مویان را پرستش کردند و در آیین پرستشی آنان با زنان موآبی همخواب شدند. بنابراین روحیه زناکاری و فاحشه‌گری اسرائیل چیز تازه‌ای نبود. با یادآوری این واقعه، خدا نشان می‌دهد که تا به حال نسبت به اسباط اسرائیل از خود صبر و تحمل زیادی به خرج داده است.

نخل کاشته شده: مقایسه دوم مربوط به تشبیه حکومت شمالی اسرائیل به نخل خرما می‌گذاشته شده است که در ۹: ۱۳-۱۷ ذکر شده است. این بخش نیز نشان‌دهنده واکنش پر فیض خدا به گناهان اسرائیل است. اول از همه، ما شاهد لطف بی‌وقفه خدا نسبت به اسرائیل هستیم. این موضوع در آیه ۱۳ یعنی جایی که خدا اعلام می‌کند که اسرائیل «مانند نخل خرما در جای باصفایی رویده» بود. این مقایسه نمایانگر بازنگری خدا بر گذشته، یعنی زمانی است که اسباط اسرائیل را در سرزمین موعود کاشته بود. یک بار دیگر، خدا با وجود ذکر تهدیدات داوری مربوط به حمله آشور در سال ۷۳۲ ق. م. به یادآوری عواطفی که نسبت به اسرائیل داشت می‌پردازد.

و بالاتر از این خدا صحبت از صبر و تحمل خود نسبت به اسرائیل می‌کند. در آیه ۱۵، ما می‌خوانیم: «همه شرارت ایشان در جلجال است؛ در آنجا از ایشان متنفر گشتم.» این آیه اشاره به واقعه اول سموئیل ۱۳: ۸-۱۴ می‌کند که در آن شاتول بر خلاف فرمان خداوند اقدام به گذراندن قربانی کرد. بار دیگر می‌بینیم که خدا پس از تحمل پرفیض خود نسبت به شکستن قانون پرستش در طی نسل‌های مختلف در صدد فرستادن آشور بر علیه اسرائیل است.

تاک برومند: واکنش پر فیض خدا نسبت به اسرائیل در طول خدمت هوشع، با تشبیهی دیگر در اینجا ظاهر می‌شود. او اسرائیل را در ۱۰: ۱-۱۰ با تاکی برومند مقایسه می‌کند. خدا لطف و محبت بی‌وقفه خود را نسبت به اسرائیل در آیه ۱ نشان می‌دهد: «اسرائیل تاکی برومند است که میوه برای خویشان می‌آورد، هرچه میوه‌اش افزون گشت... هرچه سرزمینش نیکوتر شد.» خدا با بازنگری گذشته از توسعه و رشد اسرائیل خرسند است و آن را مورد تحسین قرار می‌دهد، اگرچه او مصمم بود که داوری خود را به وسیله حمله آشور در سال ۷۲۲ ق. م. بر آنها اعمال کند.

یک بار دیگر، خدا به وسیله بازنگری گذشته، صبر و تحمل خود را بر اسرائیل آشکار کرد. در آیه ۹ خدا دوباره به زمان شائول اشاره می‌کند «از ایام جبعه (پایتخت پادشاهی شائول) ای اسرائیل گناه کرده‌ای.» خدا پس از صبر و تحمل در طول نسل‌های مختلف، داوری خود را بر آنها اعمال می‌کرد.

گوساله تربیت‌شده: هوشع این بار اسرائیل را در ۱۰: ۱۱-۱۵ به گوساله‌ای تربیت‌یافته تشبیه می‌کند. واکنش خدا به اسرائیل در این آیات آشکارکننده محبت بی‌وقفه او نسبت به آنها است. در نیمه اول آیه ۱۱ می‌گوید: «افرایم گوساله ماده‌ای تربیت یافته بود که خرمن کوبی را دوست می‌داشت و من بر گردن زیبایش یوغی نهادم.» با اینکه خدا صحبت از داوری قریب‌الوقوع توسط حمله آشور در سال ۷۲۲ ق. م. می‌کند ولی دوباره با علاقه به گذشته نظر می‌افکند. زمانی که اسرائیل همچون گوساله‌ای پر نشاط و کوشا بود.

خدا همچنین در آیه ۱۳ به صبر و تحمل خود نسبت به اسرائیل در طول نسل‌های مختلف اشاره می‌کند: «شرارت را کاشتید، ظلم را درو کردید و ثمره دروغ را خوردید.» خدا پس از سال‌ها تحمل اینچنین گناهان، داوری خود را مورد اجرا قرار می‌داد.

طفل محبوب: در آخر، هوشع واکنش پر فیض خدا نسبت به گناهان اسرائیل را با عنوان تشبیه اسرائیل به یک طفل (پسر) محبوب در ۱۱: ۱ الی ۱۴: ۸ تشریح می‌کند. دوباره در این بخش نیز ما با علاقه و لطف خدا نسبت به اسرائیل با بازنگری او به گذشته بر می‌خوریم.

خدا در ۱۱: ۱ به یاد می‌آورد: «هنگامی که اسرائیل طفل بود او را دوست داشتیم. پسر خود را از مصر فرا خواندم.» اگرچه خدا به زودی قرار بود که حکومت شمالی اسرائیل را به وسیله حمله آشور در سال ۷۲۲ ق. م. به تباهی بسپارد، او هنوز محبت پدرانۀ خود را نسبت به آنان به یاد می‌آورد. او با شیوه‌ای محبت‌آمیز در ۱۱: ۸ ابراز می‌کند: «ای افرایم چگونه تو را ترک کنم؟ ای اسرائیل ما چگونه تو را تسلیم کنم؟... دل من در اندرونم منقلب شده و شفقت من سراسر به غلیان آمده است.»

خدا صبر و تحمل خود را در این بخش نیز مکشوف می‌کند. در ۱۱: ۲ خدا شکایت می‌کند که در طول قرن‌ها «هرچه ایشان (اسرائیلیان) را خواندم، بیشتر دور شدند.» و او نشان می‌دهد که چه مدت نسبت به پادشاهی شمال مدارا کرده است.

آخرین بخش کتاب هوشع طوری گردآوری شده است که خواننده بدون بررسی و تعمق دقیق در نگاه اول قادر به درک صحیح آن نیست. اما بسیاری از مفسرین بر این باورند که بهترین راه برای درک این بخش این است که بفهمیم که اینها تکه‌های کوچکی از نبوت‌های هوشع است که او در طول سال‌های خدمت خود دریافت کرده است. اما حالا طوری ترتیب‌گذاری شده‌اند که حول محور این تشبیهات تمثیلی می‌گردند. همه این تمثیل‌ها نکته مشترکی دارند. همگی آنها چیزهایی هستند که در جهان باستان از ارزش و قیمت بالایی برخوردار بودند. پیدا کردن انجیر در

بیابان یا یافتن نخل کاشته شده و یا تاکستانی که در حال توسعه بود، گوسالۀ تربیت شده‌ای که قادر به خرمن کوبی بود و بالاخره پسری در خانواده همه از ارزش والایی برخوردار بودند که خدا اسرائیل را به آنها تشبیه می‌کند. علی‌الخصوص آخرین مثال یعنی پسر که درباره او می‌گوید: «من بودم که به افرایم راه رفتن آموختم و دست او را گرفتم.» او همچون پدری پر محبت که فرزندانش برای او بسیار عزیز هستند با آنان رفتار کرد، اما آنها به سرکشی خود ادامه دادند. هرچه که بیشتر آنها را برکت داد و برای آنها عمل کرد، آنها بیشتر گردنکشی کردند. او سپس می‌گوید: «ای افرایم، چگونه تو را ترک کنم؟ ای اسرائیل چگونه تو را تسلیم کنم؟» این را نمی‌توانم انجام دهم، چون تو برای من باارزش هستی. بنابراین ما قادر به درک این تمثیل‌ها نیستیم مگر به این نکته پی ببریم که خدا در حکمت خود، قوم خویش یعنی قومی که با آنها عهد بسته بود را تنبیه کرد. آنها در واقع قوم پر ارزشی بودند که او با آنها عهد بسته بود. او با اینکه آنها را تنبیه کرد ولی هیچگاه دست از سر آنان بر نداشت. و از آنان ناامید نشد. او همواره امید داشت که روزی آنها توبه خواهند کرد و برکات او را دریافت خواهند کرد.

- دکتر ریچارد پرت

درک مقصود نبوت‌های هوشع درباره واکنش پر فیض خدا نسبت به اسرائیل امر دشواری نیست. هوشع در مراحل مختلف خدمت خود، دیده بود که خدا چگونه محبت و صبر خود را برای فرا خواندن اسرائیل به توبه به تصویر می‌کشد. اما اکثر اوقات آنان گوش فرا ندادند و به سرکشی خود ادامه دادند. بنابراین حکومت شمالی بیشتر و بیشتر زیر لعنت خدا قرار گرفت. اما خدا هنوز در حال عرضه فیض خود به آنها بود. بنابراین هنگامی که هوشع کتاب خود را نوشت تا به رهبران یهودا در دوران سلطنت حزقیا حکمت بیاموزد، او بر بخش سوم که درباره واکنش پر فیض خدا نسبت به اسرائیل بود تمرکز داشت. او می‌خواست تا رهبران یهودا بدانند که با وجود اینکه خدا اسرائیل را به تبعید فرستاده بود، می‌توانند به برکات روزهای آخر امیدوار باشند. علی‌رغم سرکشی اسرائیل، بازنگری خدا بر گذشته آشکارکننده علاقه و صبر و تحمل او نسبت به آنان بود. این مورد ارائه‌دهنده امید به یهودا بود. امیدی که بر اساس آن روزی دو پادشاهی اسرائیل و یهودا، تحت سلطنت خاندان داوود یکی می‌شدند و خدا برکات روز آخر را بر قوم خود جاری می‌ساخت.

ما قبلاً دیدیم که چگونه معنی اصلی بخش سوم کتاب هوشع، به رهبران یهودا می‌آموخت که به خاطر واکنش پر فیض خدا به قوم خود، امیدوار باشند. حال به بررسی این موضوع نیز خواهیم پرداخت که چگونه امید به آینده باعث واکنش قوم خدا به او گردید.

واکنش قوم خدا

بخش سوم نبوت‌های هوشع به طور خلاصه اینچنین تشریح می‌شود:

امید برکات روزهای آخر... تنها زمانی قابل دستیابی است که قوم خدا واکنش مناسب و صحیح نسبت به داوری او نشان دهد.

رویکرد پر فیض خدا نسبت به قوم در طول خدمت هوشع امیدبخش برکات آینده بود. اما در عین حال، هوشع از اهمیت مسئولیت‌پذیری انسان نمی‌کاهد. اگر رهبران یهودا در صدد آن بودند که ببینند خدا از تنبیه آنان دست بر می‌دارد و قوم خود را به سوی برکات روزهای آخر هدایت می‌کند، باید پی به این حقیقت می‌بردند که مردم اسرائیل و یهودا نیاز داشتند عملی انجام دهند. آنها می‌باستی توبه می‌کردند و روش زندگی را که بر خدمت خدا بنا شده بود، اتخاذ می‌کردند.

همانطور که می‌دانیم، پنج قسمت این بخش از کتاب هوشع در مراحل مختلف خدمت او بر وی مکشوف شدند. اما از آنجا که حکومت شمالی خیلی زودتر از حکومت جنوبی پشت به خدا کردند، قسمت آغازین بخش سوم عملاً بر واکنش اسرائیل به خدا تمرکز دارد. البته در طول سلطنت آحاز و حزقیا، یهودا نیز نسبت به خدا سرکشی نشان داد. بنابراین بعداً، هوشع از یهودا نیز دعوت می‌کند تا نسبت به خدا با فروتنی و توبه عکس‌العمل نشان دهند. هوشع در تشبیه اسرائیل به میوه در ۹: ۱۰-۱۲ از اسرائیل می‌خواهد تا در مورد تاریخ طولانی سرکشی خود بر علیه خدا فکر کنند. همانطور که قبلاً دیدیم، آیه ۱۰ بر این حقیقت تمرکز دارد که «پدران شما... به بعل فغور آمدند، خویشتن را وقف قباحث کردند.» بازنگری خدا به گذشته، آشکارکننده صبر و تحمل او بود، اما هوشع بر چیز دیگری نیز تأکید می‌کند که اسرائیل نیاز داشتند درباره خود بدانند. مشکل آنها فقط سرکشی کنونی آنها نبود. برعکس، آنها باید می‌دانستند که پدران آنها نیز با اجرای بت‌پرستی و پرستش زناکارانه خشم خدا را تا چندین نسل برانگیخته بودند.

هنگامی که خدا اسرائیل را در ۹: ۱۳-۱۷ به نخل کاشته شده تشبیه می‌کند، اسرائیل را حتی برای شناختی که از گذشته خود دارند مورد چالش قرار می‌دهد. در ۹: ۱۵ خدا خاطر نشان می‌کند که در جلجال، هنگام سلطنت شائول «در جلجال از ایشان متنفر گشتم.» این واضح است که اسباط اسرائیل هیچگاه از گناهی که پدران آنها هم مرتکب شدند توبه نکردند. همانطور که هوشع در ۹: ۱۷ می‌گوید: «به او گوش فرا ندادند.» اسرائیل نسبت به اخطارهای خدا بی‌اعتنایی نشان داد و این به نظر خدا سرکشی بزرگتری بود.

هنگامی که خدا اسرائیل را در ۱۰: ۱-۱۰: ۱۰ به مو برومند تشبیه می‌کند، دوباره تمرکزی مشابه بر توبه و گذشته می‌بینیم. در ۱۰: ۹ خدا اعلام کرده بود که گناهان اسرائیل تا به زمان شائول بر می‌گردد. همانطور که قبلاً دیدیم، خدا به آنها گفته بود: «از ایام جبعه، ای اسرائیل، گناه کرده‌ای.» اما هوشع در آیه ۲ خاطر نشان می‌کند اگرچه

آنها به ظاهر خود را فروتن کرده و توبه کرده بودند، اما «دل ایشان پر از ناراستی است» و دوباره در آیه ۴ خدا می‌گوید: «آنان سخنان بی‌محتوا می‌گویند و به سوگندهای باطل عهدها می‌بندند.»

خدا در تشبیه حکومت شمالی به گوساله تربیت یافته در ۱۰: ۱۱-۱۵، دوباره این مطلب را مورد تایید قرار می‌دهد که اسرائیل نیاز دارد گناهان خود را بشناسد. در آیه ۱۳ خدا اسرائیل را تاریخچه طولانی سرکشی و عدم توبه محکوم می‌کند و می‌گوید: «شما شرارت را کاشتید، ظلم را درو کردید و ثمره دروغ را خوردید از آنجا که به راه خود اعتماد کردید و به کثرت پهلوانان خویش.»

همانطور که قبلاً دیدیم، این بخش در اصل، در آغاز سلطنت یهودا نوشته شد و به حمله آشور در سال ۷۲۲ ق. م. اشاره می‌کرد. آهاز بر خلاف پادشاهان پیش از خود، یهودا را به سرکشی بر علیه خدا سوق داد. بنابراین در اینجا هوشع علاوه بر اسرائیل، یهودا را نیز مخاطب قرار می‌دهد. اما یهودا بر خلاف اسرائیل دارای تاریخ طولانی بی‌اطاعتی نسبت به خدا در گذشته نبود. بنابراین واکنش هوشع بر واکنش کنونی یهودا تمرکز می‌کند. در ۱۰: ۱۱-۱۲ می‌خوانیم:

افرایم گوساله آموخته شده است که کوفتن خرمن را دوست می‌دارد و من بر گردن نیکوی او گذر کردم و من بر افرایم یوغ می‌گذارم. یهودا شیار خواهد کرد و یعقوب مازو برای خود خواهد کشید. برای خود به عدالت بکارید و به حسب رحمت درو نمایید و زمین ناکاشته را برای خود خیش بزنید زیرا که وقت است که خداوند را بطلبید تا بیاید و بر شما عدالت را بباراند. (هوشع ۱۰: ۱۱-۱۲)

هوشع به جای آنکه یهودا را با تاریخ طولانی شکست و سرکشی روبرو کند از آنان استدعا می‌کند تا به آنچه قرار بود اتفاق بیفتد توجه کنند. آنها می‌بایستی از راه‌های گناه‌آلود آهاز باز گردند. زمین بایر و یا ناکاشته خود را شخم زنند. چرا؟ از آنجا که تهدیدات آشور شامل حال آنان نیز بود، وقت آن رسیده بود که یهودا خداوند را بجوید. اگر آنان از راه‌های شرارت‌آمیز خود بازگشت می‌کردند، فصلی تازه بر آنها طلوع می‌کرد. خدا «می‌آمد و باران عدالت بر آنها می‌بارانید.» با این کلمات هوشع به برکات ایام آخر اشاره می‌کند که در آن یهودا و اسرائیل تحت حکومت خاندان داوود یکی می‌شوند. اما پادشاهی یهودا هیچگاه در این جایگاه قرار نخواهد گرفت، مگر آنکه توبه کنند و عدالت خدا بر آنها جاری شود.

در آخر، خدا با تشبیه اسرائیل به طفل (پسر) محبوب در ۱۱: ۱ الی ۱۴: ۸ بیشتر از هر مورد دیگر توجه آنان را به گذشته و شکست‌های آنان جلب می‌کند. خدا دوباره آنها را با تاریخ طولانی سرکشی‌شان روبرو می‌کند. او از زمان موسی با آنان مثل پسر خود رفتار کرده بود. اما در ۱۱: ۱۲ خدا اعلام می‌کند که یهودا بر ضد او است. متأسفانه تفسیر عبری این بخش بسیار دشوار است. این آیه در عبری طوری است که گویا خدا یهودا را تایید می‌کند، در

حالیکه اسرائیل را محکوم می‌کند. اما از آنجایی که هوشع این بخش را در اواخر دوران خدمتی خود به نگارش در آورده است، پس یهودا نیز مثل اسرائیل بیشتر از پیش از خدا رو گردانید. به آخرین و طولانی‌ترین نبوت درباره یهودا در بخش سوم توجه کنید:

خداوند را با یهودا مخاصمه‌ای است و یعقوب را برحسب راه‌هایش عقوبت رسانیده، بر وفق اعمالش او را جزا خواهد داد. او پاشنه برادر خود را در رَحِمِ گرفت و در حین قوتش با خدا مجاهده نمود. با فرشته مجاهده نموده، غالب آمد. گریان شده، نزد وی تضرع نمود. در بیت ثیل او را یافت و در آنجا با ما تکلم نمود. اما خداوند، خدای لشکرهاست و یادگاری او یهوه است. اما تو به سوی خدای خود بازگشت نما و رحمت و راستی را نگاه داشته، دائما منتظر خدای خود باش. (هوشع ۱۲: ۲-۶)

در این متن، خدا از یهودا دعوت می‌کند تا داستان یعقوب را در پیدایش ۲۶-۳۶ بازنگری کند. او در این نبوت تعریف می‌کند که یعقوب چگونه هنگامی پاشنه برادر خود را گرفت مرتکب گناه شد. اما یعقوب با خدا در فنوئیل کشتی گرفت. در آنجا بود که او گریست و لطف خدا را طلب کرد و سپس برنده شد. به همین ترتیب هوشع از یهودا می‌خواهد که او نیز مانند یعقوب گریسته و جوایای لطف و رحمت خدا باشد. برای یعقوب چه اتفاقی افتاد؟ او در بیت‌ثیل با خدا ملاقات کرد و درکی تازه از خدا کسب کرد. او فهمید که خداوند یهوه، خدای لشگرها است. این یکی از عناوین خدا بود که نشان می‌داد خدا رئیس لشگر فرشتگان است. هوشع از این داستان استفاده می‌کند تا به یهودا این پیام را منتقل کند که یهودا نیز با طلب لطف خدایی که رئیس لشگرهای آسمان است، می‌تواند در رویارویی با دشمنان، چه با آشور و بابل، پیروزی کسب کند. اگر آنها با مدد خدا توبه می‌کردند، محبت و عدالت را به جا می‌آوردند و پیوسته برای خدا انتظار می‌کشیدند، به چشم می‌دیدند که خدا چگونه وارد صحنه شده به عوض آنها و با لشگر آسمانی خود با دشمنان‌شان می‌جنگید.

هوشع این سخنان را درباره یهودا گفت و آنها را در اواخر کتاب خود ذکر کرد. همانطور که به یاد دارید، او این کتاب را یا در زمانی نوشت که یهودا قبل از حمله سنحاریب (۷۰۱ ق. م.) مورد تهدید آشوریان قرار گرفته بود و یا زمان نگارش این کتاب مربوط به دورانی است که پس از حمله سنحاریب (۷۰۱ ق. م.) یهودا مورد تهدید بابلیان قرار گرفته بود. این مطلب در اشعیا ۳۹: ۶ نیز درج شده است. در هر صورت، در هر دوی شرایط، یهودا به شدت به کمک خدا نیازمند بود. اگر آنها واقعا در پی آن بودند که خدا با لشگر آسمانی خود با دشمنان آنها بجنگد، آنها باید با فروتنی توبه می‌کردند. آنها بایستی درک می‌کردند که تا به حال مانند یعقوب در اوایل عمر خود عمل کرده‌اند و حالا باید مثل یعقوبی باشند که در اواخر عمر خود به خدا چسبید. فقط در این صورت ممکن بود که یهودا وسیله انتقال برکات الاهی ایام آخر به حکومت شمالی بشود.

اما به همان اندازه که هوشع از آنها دعوت به توبه می‌کرد، او می‌دانست که رهبران یهودا باید بدانند برای یهودا و اسرائیل که در تبعید به سر می‌برد راه امیدی باقی است. هوشع در بخش اول کتاب خود به روشنی توضیح داده بود که اسرائیل و یهودا دوباره تحت اطاعت از خاندان داوود یک خواهند شد. بنابراین امید یهودا برای دریافت برکات ایام آخر زمانی میسر بود که اسرائیل به سوی خدا بازگشت می‌کردند. به همین دلیل هوشع آخرین بخش کتاب خود را در ۱۴: ۱-۸ با دعوت اسرائیل به توبه خاتمه می‌دهد. به بخشی از این دعوت طولانی در ۱۴: ۱-۳ توجه کنید:

ای اسرائیل به سوی یهوه خدای خود بازگشت نما زیرا به سبب گناه خود لغزیده‌ای. با خود سخنان گرفته، به سوی خداوند بازگشت نمایند و او را گویند: «تمامی گناه را عفو فرما و ما را به لطف مقبول فرما، پس گوساله‌های لب‌های خویش را ادا خواهیم نمود. آشور ما را نجات نخواهد داد و بر اسبان سوار نخواهیم شد و بار دیگر به عمل دست‌های خود نخواهیم گفت که شما خدایان ما هستید چونکه از تو یتیمان رحمت می‌یابند» (هوشع ۱۴: ۱-۳).

پیغام هوشع به همه ساکنان حکومت شمالی اسرائیل، چه آنانی که در یهودا زندگی می‌کردند و چه آنانی که در سایر نواحی پخش شده بودند، این بود که به سوی خدای خود توبه کنند. برای اینکه آنها بدانند که چگونه توبه کنند او در واقع به آنها توبه‌نامه‌ای می‌دهد. آنها می‌بایستی به خدا بگویند: «شرارت را به تمامی بیامرزد» و از او بطلبند: «آنچه را که نیکوست قبول فرما تا ثمره لب‌هایمان را تقدیم کنیم.» آنها می‌باید هر نوع بت‌پرستی را رد می‌کردند و هیچگاه بتی را «خدای ما» خطاب نمی‌کردند. ولی واکنش خدا نسبت به توبه و بازگشت آنها چه بود؟ خدا در ۱۴: ۷ می‌گوید:

آنانی که زیر سایه‌اش ساکن می‌باشند، مثل گندم زیست خواهند کرد و مانند موها گل خواهند آورد. انتشار او مثل شراب لبنان خواهد بود (هوشع ۱۴: ۷).

اگر حکومت شمالی اسرائیل بدین صورت خود را فروتن می‌کردند، در آن صورت خدا برکات خود را بر آنان جاری می‌ساخت.

معنی اصلی که در نبوت‌های هوشع در رابطه با پرده‌برداری از امید نهفته است. از خیلی جهات در واکنش پر فیض خدا و عکس‌العملی که اسرائیل و یهودا مستلزم به نشان دادن آن بودند، آشکار می‌شود. حال نوبت به بررسی کاربرد امروزی این بخش است. مکاشفات هوشع در این بخش چه تاثیری بر زندگی ما باید داشته باشند؟

کاربرد امروزی

هوشع در بخش سوم کتاب خود رهبران یهودا را مطمئن می‌کند که خدا هنوز عروس خود را دوست دارد و روزی او قوم محبوب خود را بر خواهد گردانید. به همین ترتیب، ما به عنوان پیروان امروزی مسیح نیز می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا با محبتی بی‌وقفه عروس مسیح را دوست دارد. اگر ما نیز مانند یهودا و اسرائیل خواهان دریافت برکات مربوط به ایام آخر یعنی بازگشت مسیح هستیم، باید واکنشی صحیح و مناسب به محبت خدا نشان دهیم.

برای کشف کاربرد امروزی بخش سوم، دوباره به بررسی مفهوم عروس مسیح و ایام آخر در عهد جدید خواهیم پرداخت. در این بخش ابتدا به مطالعه کاربرد امروزی‌ای که آخرین نبوت هوشع برای ما به عنوان عروس مسیح دارد خواهیم پرداخت.

عروس مسیح

در زمان هوشع، گناهان عروس خدا در عهد عتیق منتج به تجربه کردن داوری خدا شد. حکومت شمالی در این زمان تحت تهاجم آشوریان قرار گرفته بود و مردم آن به تبعید فرستاده شده بودند. هنگامی که یهودا نیز شروع به سرکشی کردند، خدا آنان را نیز به تباهی و تبعید تهدید کرده اما علیرغم این شرایط ناامیدکننده و حتی ترسناک، هوشع از همه افراد، چه آنانی که در کلیسای قابل رویت هستند و چه آنانی که در کلیسای غیر قابل رویت هستند، دعوت می‌کند تا به وسیله توبه و ایمان جوایب آموزش خدا باشند. او به دنبال گروهی از افراد است که سایر انبیا آنان را «باقیمانده» می‌خواندند. آنان در واقع اشخاصی هستند که برای رهایی و نجات به سوی خدا باز می‌گردند و برکات جاودانی را دریافت می‌کنند.

به همین ترتیب، تا زمانی که مسیح در جلال خود باز گردد، عروس مسیح هیچگاه کامل نخواهد بود. خدا بارها و به روش‌های مختلف قوم خود را در عهد جدید نیز مورد داوری قرار داده است. اگرچه کلیسا در برخی نقاط جهان قوی است، اما در بسیاری جاها زمانی قدرتمند ایستاده است، اما حالا دیگر حتی وجود خارجی ندارد. دلیل این موضوع این است که خدا آن را تحت داوری خود قرار داده است. اما ما نیز مانند هوشع می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که علی‌رغم شرایط و دلسردکننده‌ای که کلیسا ممکن است با آن روبرو باشد، خدا عروس خود را کنار نمی‌گذارد. خدا از هر مرد، زن و کودک در کلیسای قابل رویت و غیر قابل رویت دعوت می‌کند تا به وسیله توبه و ایمان جوایب آموزش الهی باشند. او از ما دعوت به عمل می‌آورد که جزو «بقیت» وفادار او باشیم. گروه باقیمانده‌ای که در هنگام بازگشت مسیح برکات جاودانی و نجات کامل را دریافت می‌کنند.

پس از بررسی شرایط عروس مسیح، اکنون به کاربرد امروزی بخش سوم کتاب هوشع در ارتباط با ایام آخر در مسیح خواهیم پرداخت.

ایام آخر در مسیح

همانطور که قبلاً آموختیم، تحقق ایام آخر در مسیح، در زمان عهد جدید اتفاق می‌افتد. این دوره در زمان ادامه پادشاهی مسیح طی تاریخ کلیسا در حال به اوج رسیدن است و در زمان بازگشت مسیح و تکمیل پادشاهی او به کمال خواهد رسید. بنابراین همانطور که در بخش اول و دوم به بررسی سه مرحله پرداختیم، در این بخش نهایی نیز این سه مرحله را از مد نظر خواهیم گذراند.

در مرحله اول باید توجه داشت که عهد جدید به وضوح نشان می‌دهد که امیدی که هوشع به اسرائیل و یهودا می‌دهد در زمان تاسیس پادشاهی مسیح آغاز به تحقق پیوست. آمدن اولیه مسیح نشان می‌داد که خدا عروس خود را ترک نکرده است، بلکه او با تحقق بخشیدن به نبوت‌های امیدوارکننده مربوط به ایام آخر، تحمل و صبر خود را نسبت به قوم خود ابراز می‌کند. اما در طول تاسیس پادشاهی مسیح نیز واکنش توبه‌کارانه و با ایمان انسان‌ها الزامی است. بنابراین همانطور که در کتاب هوشع نیز مطرح شده است، انجیل مسیح نیز رحمت خدا را به واکنش انسان منتقل می‌کند. در متی ۲: ۱۵ به این همراهی فیض و توبه اشاره شده است.

تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد که «از مصر پسر خود را خواندم.» (متی ۲: ۱۵)

این بخش در رابطه با فرار یوسف، مریم و عیسی به مصر و بازگشت صحیح و سالم آنان بود. متی از هوشع ۱: ۱۱ نقل قول می‌کند. این آیه به رحمت عظیم خدا اشاره می‌کند، هنگامی که قوم خود را از مصر دعوت کرد. متی خاطر نشان می‌کند که این نبوت در زمان تاسیس پادشاهی مسیح، هنگامی که مسیح پس از مرگ هیرودیس از مصر بازگشت، به تحقق پیوست.

اما باید این موضوع را با دقت خاصی مورد بررسی قرار داد. متی می‌دانست که منظور هوشع دقیقاً عیسی نبود، بلکه او به خروج اسرائیل از مصر اشاره می‌کرد و اینکه چگونه اسرائیل علی‌رغم رحمت عظیم خدا نسبت او گردنکشی کردند. در واقع متی نشان می‌دهد که خدا به وسیله خواندن پسر سلطنتی خود از مصر به عروس خود رحمت عظیمی نشان داده بود. اما بسیاری در اسرائیل هنوز نسبت به خدا از خود سرکشی نشان می‌دهند. متی بارها در انجیل خود خاطر نشان می‌کند که خدا با همه رحمتی که عرضه می‌کند، اما از انسان انتظار دارد که با توبه و

ایمان واکنش نشان دهد. در زمان عیسی، بسیاری چون هیرودیس تحت داوری خدا قرار گرفتند. زیرا آنها واکنش مناسب به رحمت خدا در مسیح نشان ندادند.

در هوشع ۱: ۱۱ خدا می‌گوید: «پسر خود را از مصر خواندم.» این آیه بر می‌گردد به زمان موسی، هنگامی که خدا او را خواند تا قوم خدا را آزاد کند. زیرا در آن زمان خدا به موسی گفت: «اسرائیل پسر نخست‌زاده من است.» خدا در دستورالعملی که به موسی می‌دهد، از او می‌خواهد که به فرعون بگوید: «اسرائیل پسر من و نخست‌زاده من است و به تو گفتم پسر مرا رها کن تا مرا عبادت کند. قوم مرا رها کن تا در صحرا برای من عیدی نگاه دارند.» بنابراین این آیه اشاره به دعوتی می‌کند که خدا در کتاب خروج از موسی می‌کند. اما این آیه یادآور آن چیزی است که خدا در بیابان به قوم اسرائیل داد. او در بیابان به آنها قانون خود را بخشید. قانونی که اگر مورد اطاعت قرار می‌گرفت باعث برکت آنان می‌شد و در صورت بی‌اطاعتی منجر به لعنت آنها می‌شد. بنابراین این آیه در کنار اینکه یادآوری می‌کند که ریشه قوم اسرائیل به کجا بر می‌گردد، نشانگر مسئولیت اسرائیل نسبت به قانون شده نیز هست. این مورد آخر در واقع نکته تأکیدی کتاب هوشع است. قوم خدا نسبت به مسئولیت خود بی‌وفایی نشان داده بودند. آنها بی‌اطاعتی را انتخاب کرده بودند. در نتیجه به جای اطاعت و برکت، لعنت نصیب آنها شده بود. اگر به عهد جدید مراجعه کنیم، نکته جالب این است که متی از هوشع نقل قول می‌کند و آن را به عیسای مسیح نسبت می‌دهد. زیرا یوسف و مریم و عیسی مجبور بودند به مصر فرار کنند و سپس دوباره از مصر برگردند. متی با نقل این آیه، «پسر خود را از مصر فراخواندم» نشان می‌دهد که عیسی اسرائیل جدید، اسرائیل حقیقی و اسرائیل مطیع است. او از مصر خارج می‌شود ولی بر عکس اسرائیل پسری است که مطیعانه عمل می‌کند. بنابراین، اسرائیل جدید در اطاعت خدا قدم برداشت.

- دکتر لری تراتر

در مرحله دوم، در ادامه پادشاهی مسیح، کلیسا باید نبوت‌های بخش سوم کتاب هوشع را در شرایط حاضر به کار گیرد. همچنانکه کلیسای مسیح در حال گسترش فزاینده در نقاط مختلف جهان است، فیض خدا نیز مردم بیشتری (یهود و غیر یهود) را جذب کرده است و علی‌رغم همه نواقص و ضعف‌هایی که هر یک از ما داریم، خدا به وسیله رحمت خود عروس خود کلیسا را می‌پروراند. بنابراین امید ما برای برکات خدا همواره باید بر واکنش‌های پر فیضی باشد که خدا در شکست‌ها به ما نشان می‌دهد. در عین حال هوشع مصرانه نشان می‌دهد که امید برکات ایام آخر بر واکنش صحیح و مناسب انسان به فیض خدا نیز وابسته است. به همین ترتیب برکات خدا در مسیح نصیب کسانی می‌شود که از گناهان خود بازگشت کرده و از خدا طلب نجات کرده‌اند. به همین دلیل توبه بعدی بسیار حیاتی از زندگی روزانه همه کسانی است که مدعی پیروی مسیح هستند.

در مرحله سوم، نبوت‌های هوشع در ارتباط با پرده‌برداری از امید نهایتاً در مرحله تکمیل پادشاهی مسیح تحقق می‌یابند. هوشع امید به برکات را به کسانی در یهودا و اسرائیل عرضه می‌کند که توبه می‌کنند. عهد جدید نیز به عروس مسیح امید پر جلال ایام آخر را ارائه می‌کند. خدا به خاطر محبتی که دارد، روزی همهٔ آنانی را که دارای ایمان نجات‌بخش هستند به طور کامل پاک خواهد کرد و از داوری نجات داده، آنها را به برکات خلقت جدید خود منتقل خواهد کرد. در اول قرن‌تین ۱۵: ۵۴-۵۵، پولس رسول به تکمیل ایام آخر اینچنین اشاره می‌کند:

اما چون این فاسد بی‌فسادی را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است به انجام خواهد رسید که «مرگ در ظفر بلعیده شده است. ای موت نیش تو کجا است و ای گور ظفر تو کجا؟» (اول قرن‌تین ۱۵: ۵۴-۵۵)

در اینجا، پولس رسول، جلال بازگشت مسیح را با نقل قولی از هوشع ۱۳: ۱۴ مورد تحسین قرار می‌دهد. در آنجا خدا، علی‌رغم داوری، تباهی و تبعیدی که بر اسرائیل آمده بود، قدرت مرگ را مورد تمسخر قرار می‌دهد. بنابراین امید پایان‌پذیرفته بود. لعنت گناه در ایام آخر، اثر خود را بر اسرائیل از دست می‌داد. زیرا خدا آنان را بازخریده و نجات می‌داد و آنها در اتحاد مجدد با یهودا تحت سلطهٔ خاندان اسرائیل قرار می‌گرفتند.

ما مسیحیان می‌دانیم که این امید روزی در مسیح، پسر بزرگ داوود به تحقق خواهد پیوست. ما علی‌رغم شکست‌ها و سختی‌های موجود، با انتظار به بازگشت مسیح چشم دوخته‌ایم. در آن روز، همهٔ آن کسانی که امید خود را بر فیض خدا در مسیح قرار دادند و از گناهان خود توبه کردند، به برکات کامل ایام آخر دست خواهند یافت. ما نیز همراه با هوشع قدرت مرگ و گور را مورد تمسخر قرار خواهیم داد. زیرا همان روحی که عیسی را از مردگان برخیزانید، ما را نیز به سوی حیات جاودان رهنمون خواهد ساخت. یوحنا رسول نیز در رویارویی که دربارهٔ تکمیل پادشاهی خدا داشت در کتاب مکاشفه این امید را ابراز می‌کند. او نیز با استفاده از کتاب هوشع به تشریح اورشلیم جدید، شهر پر جلال پسر داوود می‌پردازد. شهری که محل سکونت عروس خدا است. به سخنان او در مکاشفه ۲۱: ۲-۳ توجه کنید:

شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است. و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می‌گفت: «اینک خیمهٔ خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود. (مکاشفه ۲۱: ۲-۳)

نتیجه‌گیری

در این درس، ما دیدیم که هوشع چگونه به بررسی داوری خدا پرداخت. او در عین حال به امید برکاتی که توسط یهودا به قوم خدا داده شده است اشاره می‌کند. همان برکاتی که در ایام آخر ظاهر خواهد شد. هوشع به رهبران یهودا در زمان حزقیا نشان داد که چرا خدا از داوری خود پرده‌برداری کرده و آن را بر اسرائیل و یهودا اعمال نموده است. همچنین دیدیم که چگونه برکات ایام آخر که با فیض خدا ظاهر خواهند شد، نصیب کسانی می‌شوند که واکنش مناسب به فیض خدا نشان دهند.

مکاشفات خدا به هوشع، صدها سال پیش از مسیح به مردم حکمت آموخت. آنها هنوز پس از گذشت سال‌ها به ما حکمت خدا را عرضه می‌کنند. ما به عنوان عروس مسیح، در دنیایی زندگی می‌کنیم که تحت داوری‌های خدا رنج می‌کشد. بنابراین ما نیز با این چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنیم. اما خدا هیچگاه کلیسای خود را ترک نکرده است. او مسیح را فرستاد تا نجات ما را تضمین کند و ایام آخر را شروع کند. مسیح در ما به وسیله روح القدس زندگی می‌کند تا ما را به سوی برکات جهان آینده رهنمون کند. ما نیز به وسیله حکمتی که کتاب هوشع عرضه می‌کند می‌توانیم بر این جهان غلبه کرده، به گروه بی‌شماری که در جشن عروسی بره شرکت می‌کنند بپیوندیم. ما به عنوان عروس مسیح دریافت‌کننده برکتی خواهیم بود که ما را در شادی بی‌اندازه جلال جاودانی مسیح شریک می‌کند.